



طبع بخانه ششمی وحدت

ارگان نشریه روزانه حزب وحدت اسلام افغانستان - کابل

شماره (۳۷ و ۳۸) سال سوم حمل ۱۳۷۳ هـ ش ۱۴۱۴ هـ ق ۱۹۹۴ میلادی

متن سخنرانی استاد مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان

صفحه ۵

افغانستان در گذشته و حال

از: استاد محقق افشار

بشر ساخته شد بانهدگر دیرهاها و مائیهادر یاها
شناکر دنداز منابع ومجادن زیر زمین به سره
گرفتند باموشکهای فضا پیما از آشیانه عقابها
گذشتند ، سنگ ریزه های کرات آسمانی را
تحفه برای ساکنین زمین آوردند ولی در قلب
قاره آسیا ، مردم مظلوم افغانستان در عالم
چهل و بی خبری بسر بردند از قافله تمدن بشری
عقب ماندند بلکه سیر قهرائی بسوی عصر
حر و دوره عاز نشینی میکردند . صفحه ۳

در عصر حاضر قرن ۲۰ میلادی که عصر
نور و اتم نام گذاشته اند ، در جهان علم و تمدن
یکمال رسید قعر دریاها و قلب کوهها و کرات
آسمانها تسخیر بشد ، اقیانوس پیما ساخته
شد ، باشندگان روی زمین قاره آسیا و اروپا
و افریقا و امریکا و ۰۰۰ با هم ارتباط یافته وصل
شدند ، از اوضاع و احوال همدیگر اطلاع یافته
علم و صنعت اختراع اکتشافات و تحریبیات
یکدیگر بهره گرفتند با وسایل علمی که بدست



افغانستان در سالی که گذشت

افغانستان در طول سال ۱۳۷۲ - یکدوره
بسی سیاه و ظلمت باری راپشت سر گذاشته
بطوریکه در جریان این سال کشور در یک بحران
عمیقی غرق بوده که در آن مهمترین رویداد
های سیاسی ، نظامی ، ماحراهای بسیار و حوادث
بی شماری بوقوع پیوسته و تمامی معادلات
درون و بیرون مرزی برهم خورده بطوریکه
تغییرات چشم گیری در ائتلافها و اتحاد
های احزاب سیاسی میان آمد ، پیمانها
و میثاقها شکست و جنگهای خانمانسوز و ویرانگر
در گرفت که ضررهای حیران ناپذیر جانی و مالی
به بار آورد و حمایت های مرئی بعضی
از کشورهای همسایه و اسلامی که از جناحهایی
در کشور صورت میگرفت نامرئی تر گردید .
اری مردم مظلوم و مسلمان افغانستان در
سال ۱۳۷۲ در تلخ ترین و حساسترین موقعیت
و گذرگاه تاریخی خود قرار داشته ، این ملت
بخون طپیده و کشور ویران شده ، سوار بر یک
کشتی طوفانزده فرازونشیب های فراوانی را
پیموده که اینک مادران از سال حدید به چکیده
از حوادث و رویداد های این سال غمبار می
پردازیم .

در سال ۱۳۷۲ مهمترین عهد و پیمان میان
جناحهای موجود در کشور بشمول گروههای
متخاصم به امضاء رسید که عمده ترین آن
توافقنامه اسلام آباد و جلال آباد بود که تحت
صفحه ۲

محمود مستری در صیافت شام حزب وحدت اسلامی شرکت کرده و مجدداً با استاد مزاری ملاقات کرد .

صفحه ۱۹

گذری به بامیان باستان مصاحبه مطبوعاتی استاد مزاری با خبرنگاران فرانسوی

صفحه ۹

صفحه ۱۷

مصاحبه اختصاصی با الحاج عبدالحسین مقصودی پاد واره از شهید محمد علی

صفحه ۲۰

صفحه ۱۰

صفحه ۱۵

صفحه ۱۲

صفحه ۱۸

صفحه ۱۱

صفحه ۱۸

صفحه ۲۰



بهار اندوهناک نامه ای از آمریکا جرس فریاد میدارد که بر بندید محملها .

بی رحمی مجاز نگاهی به دیزوز و امروز شعر معاصر افغانستان رویداد های خبری

شاه و جنرال ، جنگ و ائتلاف

قسمت دوم

۱- سقوط رژیم مارکسیستی کابل :

همانطوریکه در مقدمه گذشته اشاره شد
انحصار طلبی نجیب و پشتونیزه کردن ادارات
دولتی توسط وی از یکطرف و پیوستن ژنرالان و
افسران صفات شمال برهبری ژنرال دوستم
و فتح مزار شریف و بعضی نقاط مهم همجوار -

از طرف دیگر ، پس از سپری شدن یکم ماه
وده روز ، ستون فقرات رژیم غیر قانونی درهم
شکسته و نیروهای ائتلافی متشکل از مجاهدین
حزب وحدت اسلامی و جمعیت اسلامی
و ژنرالان جنبش ملی و نظامیانش در تاریخ
۸ و ۱۳ ژان ۱۳۷۱ کابل پایتخت کشور را فتح کردند .

صفحه ۷

انچه میخوانید

- ۱- افغانستان در سالی که گذشت
- ۲- متن سخنرانی استاد مزاری
- ۳- افغانستان در گذشته و حال
- ۴- محمود مستری در صیافت شام حزب وحدت
- ۵- گذری به بامیان باستان
- ۶- مصاحبه مطبوعاتی استاد مزاری با
- ۷- مصاحبه اختصاصی با حاج عبدالحسین
- ۸- بهار اندوهناک
- ۹- نامه از آمریکا
- ۱۰- جرس فریاد میدارد که بر بندید محملها
- ۱۱- بی رحمی مجاز
- ۱۲- نگاهی به دیزوز و امروز افغانستان
- ۱۳- شعر معاصر افغانستان
- ۱۴- رویداد های خبری



افغانستان در سالی که گذشت

نظارت کشورهای همسایه همچون جمهوری اسلامی پاکستان و جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی صورت گرفت و امضا کنندگان پس از امضای این توافقنامه دست به سرانیده سوگند یاد کردند که آنچه توافق شده صادقانه اجرا نمایند، درین توافقنامه آقای حکمتیار امیر حزب اسلامی بحای استاد فرید عنصر دیگری از حزب اسلامی بعنوان صدراعظم انتخاب شد، درین میان کشور به زبان نتوانست آنچه را که قبلاً "به حناحهای مخالف وعده داده بود عملی سازد، بعنوان نمونه نمایندگان جنبش ملی اسلامی را که دعوت کرده بودند وارد توافقنامه نگرداند نتوانست و هم حایکاه اصلی احزاب جهادی از نظر کمی و کیفی لاینحل ماند که این مسئله بوضوح کاهش تاثیر ناپذیری احزاب جهادی را از پاکستان وعدم توانائی مقامات پاکستان را نشان میدهد، اما متأسفانه این عهد و میثاق با وجود اینکه نقصهای فاحشی داشت و خواست های مشروع احزاب جهادی را برآورده نمیکرد هرگز در منسه عمل پیاده نشد، بلکه کسانی که ظاهراً "قدرت سیاسی را در دست داشتند در جهت تحکیم انحصاری ان بیش از پیش تلاش ورزیدند و از سوی دیگر رهبران بعضی از احزاب بهر دلیلی که بود غرض پیکیری و تکمیلی توافقنامه بداخل کشور نرفتند، لذا همی مسئله و نبودن قانون و مقرراتیکه صلاحیت صدراعظم و رئیس جمهور را مشخص و تفکیک مینمود و همچنین دخل و تصرف غاصبانه عناصر جمعیت اسلامی در تمامی وزارتخانه ها و بیت المال و دهها موانع دیگر باعث شد تا کابل بار دیگر آماج گلوله های آتشین طرفین قرار گیرد.

بدنبال یاس و ناامیدی از تحقق توافقنامه اسلام آباد، تلاشهای دیگری از منابع مختلف صورت گرفت تا میثاق نامه حلال آباد تحت فشار تعدادی از معلولین انقلاب با حضور رهبران و نمایندگان تام الاختیارشان بوجود آمد که پس از امضای آن صرف القاطی روی کاغذ باقی ماند و بان عمل نگردید و اطرافیان آقای ربانی با هم دست به طرفند های جدیدی از قبیل طرح بوجود آوردن قانون اساسی زدند که با مخالفت قاطع اکثریت احزاب جهادی مواجه شد.

بمنظور ایجاد فضای صلح و ثبات و یاس گیل آلود کردن اب درین سال طرحها و حرکات سیاسی غرض الود و صادقانه دیگری نیز ارائه گردید من جمله طرح پیشنهادی از غرب کشور و طرح صلح مولوی حقانی که حنبه عملی نداشت و طرح پیشنهادی چهار حانبه حزب وحدت اسلامی که عملاً "در پرده صلح و اشتی موهن شده و یک دولت قوی و وسیع البنیاد را پایه گذاری میکرد و عملاً " پایتخت کشور را از دستخوش حوادث نجات میداد و هم قدرتهای سیاسی و جهادی را ملزم میساخت تا به قضیه غم انگیز و تراژدی در کشور خاتمه داده صلح و آرامش را به ارمغان می آورد که تا هنوز این طرح در دست اجرا قرار نگرفت اما دلیل قانع کننده از هیچ منبعی برردن نیز مشاهده نرسیده بهمین لحاظ است که طرح

مذکور کماکان از اعتبار و اهمیت ویژه برخوردار است و ما بر این عقیده و باوریم که برای حل معضله ناسور کشور بهترین طرح همین طرح است که بنظر میرسد سرانجام چاره خیز پذیرش آن راه خوبتر دیگری را سراغ نداریم.

همچنین در سال ۱۳۷۲ جنرال رشید دوستم رهبر جنبش ملی اسلامی شمال و در کابل گردید که در اثر وساطت حزب وحدت اسلامی آقای حکمتیار و جنرال دوستم بعنوان رهبران دوجناح قدرتمند سیاسی و نظامی که در عین زمان نمایندگان ملیت ساکن در کشور نیز محسوب میشوند با هم ملاقات نمود که سرانجام منحر به اتحاد و پذیرش دوجریان گردید و این نخستین گام پایدار در جهت ایجاد فضای صلح و ثبات در کشور بود که باتلاش صلحجویانه حزب وحدت اسلامی انجام پذیرفت، جنرال دوستم و آقای حکمتیار که مدت ها در خصومت بسر برده بودند، اینک متحد هم دیگر گردیدند، ناظران سیاسی این تحول را ناشی از ان میدانند که آقای ربانی و مسعود مدت های مدیدی از جنرال دوستم که در یک دوره طولانی متحد و متحد بوده بعنوان یک وسیله بهره برده بود و در معاهدات خود با وی صادق نبوده و از سوی دیگر جنرال دوستم به ایمن واقعیت پی برده که آقای مسعود با کوتاهی نگری و انحصار طلبی تصور دارند که چنگ آخرین حربه برای دستیابی بحاکمیت است.

در سال ۱۳۷۲ تحول دیگری که قابل یادآوریست انتقال شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی از بامیان بکابل است که گام مهمی در رشد و تکامل این حزب محسوب میگردد و از جانب دیگر از اینکه حزب وحدت اسلامی یکی از ارکان مهم کشور است، لذا تصمیم گیریهای این جریان در روند سیر حوادث کابل و کشور از اهمیت فوق العاده برخوردار است.

در همین سال ۱۳۷۲ - پس از اینکه عهد و میثاقی هاعملی نگردید و جناح حاکم بجای عملی کردن توافقنامه هادرمید تحکیم و گسترش قدرت و سیطره برآمد، جنکهای تباه کننده نیز صورت گرفت که ذیلابه مهمترین آنها اشاره میگردد ۱۰

۱- پس از شراکت و جنایات هولناک جمعیت واتحاد سیاف در چنداول و افشار کابل و تحركات نظامی جنرال موهن از استقامت دارالامان رزمندگان جان برکف حزب وحدت اسلامی محبوراً " بدفاع برخاسته و بتلافی از تمامی اعمال نامردانه آنان و خنثی نمودن عملیات نظامی دشمن دست بیک حملسه متحرکه علیه مراکز نظامی جمعیت از محدوده دارالامان گرفته تا دهمزنگ زدند که در ظرف حدود ۷ ساعت بیش از ۲۰ مقر بزرگ نظامی شورای نظار جمعیت را بشمول لواء ۳ تحت فرماندهی جنرال موهن متعهد مسعود را به تصرف در آوردند، درین جنگ تعداد کثیری از نیروهای جمعیت بهلاکت رسید و صدها تن دیگر به اسارت درآمد، دهها عراده تانک و سلاحهای مختلف النوع ثقیله و خفیفه خود روهای نظامی و غیر نظامی، تجهیزات و مهمات کافی و مخزنابه بغنیمت گرفته شد.

حزب وحدت اسلامی که همیشه بشعار اینک " با سلاح تفکر و اندیشه برای پایان بخشیدن به پرابلیم های کشور برخورد شود تا روزنه حاکمیت منطق و عقل بدست آید و عوارض شوم جنگ بیشتر ازین ملت زجر دیده مارا نیاز دولی منطق کور قدرت طلبان توجه به ریشه های اصلی بحران که در دائره طرح استکبار است و ارتجاع منطقه نیز

آتش بیار معرکه است ندارد، لذا از زب زحمت بناچار بار دیگر درین جنگ که فتح الشنوح نام گرفت، قدرت و توان رزمی نیروهایش را بنمایش گذاشت و بدشمن و جبهان شهناند که بعنوان یک قدرت عظیم سیاسی، نظامی و پایکاه وسیع مردمی در صحنه حضور دارد و تحولات خورد و ریز در بر خوردهای دشمن و اندک آرامشی که در غرب کابل بمشاهده میرسد وهم اکنون مردم مامهماندار دهها هزار نفر آواره جنگی از شرق کابل از ملیت های مختلف است، بدون شک متأسفانه همین عملیات است که حرثت تعرض را از آنان سلب نموده.

۲- بر خورد نظامی دیگری که کابل را در خود فرو برده و تاکنون از حدود دوماه به اینطرف ادامه دارد درگیری اخیر است که میان نیروهای جنبش ملی اسلامی و حزب اسلامی آقای حکمتیار از یکسو و نیروهای شورای نظار جمعیت از سوی دیگر بر روز کرد، این درگیری از انحناشی میشود که آقای ربانی با سواستفاده از قدرت سیاسی و تن در ندادن به توافقنامه ها و بیمانهارت تمامی ولایات در صدد وتلاش افتاد تا نیروهای از جمعیت اسلامی را پاکسازی و خلع سلاح نماید که نمونه ان در هرات، کندز و غور بعمل آمد. این بازی خطرناک قبل از اینکه بامیل و رغبت و توافق صورت گیرد، جنگ تباه کننده ای در کابل به ارمغان آورد، که در مجموع این برخورد ها تا هنوز نیروهای جمعیت در سزار شریف، کندز، شیرغان و بعضی از ولسوالیهای فراه کاملاً " خلع سلاح شد و در کابل جنگ حالت فرمایشی بخود گرفته همچنان ادامه دارد، در همین راستا آقای ربانی غیر مستولانه فتوی جهاد علیه جنبش ملی اسلامی صادر کرد که روزگاری نه چندان دور جنبش ملی اسلامی و نیروهایش را حزه نیروهای وزارت دفاع دولت اسلامی میخواند و آقای جنرال دوستم را معاون وزیر دفاع و در سفر بیکه در ترکیه رفت و پراکفیل ریاست جمهوری نیز ساخت ۱۱ اما جناح مقابل تحت عنوان شورای عالی هماهنگی ضمن حفظ برتری نظامی در سطح کشور دست بیک تحركات سیاسی جدیدی زد و جنگ موجود را قیام عمومی مردم علیه رژیم ربانی خوانده و با اعزام هیئت در کشورهای همسایه دلیل قیام و اهداف و پیشنهاات شان را اعلام کردند که این مسئله باعث شد تا کشورهای همسایه مواضع جدیدی اتخاذ نمایند و دلایل منطقی آنها را بپذیرند.

در سال ۱۳۷۲ تنها اقدام فرهنگی که صورت گرفت از جانب حزب وحدت اسلامی بود که کنفرانسی را در کابل تدویر و از شخصیت های علمی و فرهنگی دعوت بعمل آورد تا مدارس بازگشائی و دانشگاه کابل فعال گردد که این ابتکار حزب وحدت اسلامی نشانه از دل سوزی و اهمیت ویژه قائل بودن به امور فرهنگی و آموزشی است.

همانطوریکه همه میدانند اقتصاد کشور کاملاً " ورشکسته بوده و تماماً " متکی به بیرون مرز خابوده است، اما وقوع جنگهای پی در پی در سال ۱۳۷۲ عرصه را از نظر اقتصادی نیز بر مردم مصیبت زده کابل تنگ ساخته کمبود کالا و کرانی سرسام آور و بیوب خود بر مردم کابل فشار می آورد، درین اواخر هر آنچه دار و ندار یک شه از طعمه حریق سلاحهای آتش زار آمان مانده بود از متن شهر توسط نیروهای شورای نظار چور و چپاول گردید، هم اکنون قیمت یک بوری ارد گندم در کابل شرقی بیش از یکصد هزار افغانی است.

گرچه درین آشفته بازار سخن زیاد است ولی ما بهمین اندازه اکتفا نموده یاد آور میشویم که جنگ راه حل نیست و نمیتواند صفحه ۱۶

افغانستان در گذشته و حال

استعمار پلیدی و حواجر انگلیس خاندان منحوس، منفور، مزدور، فاسد و مستبد محمد زائی را مسلح ساخته بر ملت مسلمان و زجر کشیده افغانستان مسلط کرد که صدها سال تا آخرین فرد واپسین روز نسل بعد نسل حافظ منافع استعمار و عامل ظلم و جور و فساد بودند، حنیایات امیر عبدالرحمن خان سفاک و خونخوار که در افغانستان از قتل مسلمین جوی خون جاری و از کله مسلمانان کله منارها ساخت و ۰۰۰ دستور استعمار را بر سر کوبی ملت مسلمان اجرا کرد در این مقال ننگدوبهمه مردم روسن است، در بیک کلام همه بدبختیها و تمام عیبها و کلیه پسماندگیها و عقب افتادگیها در افغانستان بقول مرحوم سید جمال الدین افغانی از استعمار خارجی و استبداد داخلی بود خصوصا " دوره جدید استبداد که پس از سقوط دولت نه ماهه آقای حبیب الله کلکانی مشهور به بچه (سقا) و بقدرت رسیدن نادر خان غدار و برادران نابکارش با توطئه استعمار انگلیس آغاز شد، دوره استبداد بختی ملت مسلمان افغانستان بود، حکومت فاشستی دیکتاتوری انحصاری پی ریزی شد، تمام قدرت توسط برادران نادر خان، محمد عزیز خان، هاشم خان، شاولی خان، شاه محمود خان قبضه شد، پست های حساس و کلیدی دولتی و اداری - بین برادران تقسیم گردید، اداره ولایات و حکمرانیهای خارج پایتخت را بمزدوران حلقه بگوش و وابسته سپردند، ملیت های ساکن این سرزمین هزاره، ازبک، تاجیک، ترکمن و ۰۰۰ حتی افراد حیران کننده و ازاده پشتون را هم از مزایای دولتی محروم ساخت.

بافزار امان الله خان مزدور و ریکار آمدن حبیب الله کلکانی و رژیم سقوی، کابل ناامن شد، ولی سربازان سقوی از چور و چپاول شهر جلوگیری کرد، حمله نادر خان شهر کابل را خراب و ویران ساخت، دکانها، معازه ها عمارات دولتی و منازل شخصی تاراج شد، منطقه شمالی کابل و مردم زجر کشیده کوهستان و کوه دامن به اتهام همکاری با حبیب الله کلکانی دوباره مورد حمله وحشیانه و بیورش سبانه لشکریان نادر خان قرار گرفته خانه های گلین و باغ های سرسبز شان ویران، مال و اموال شان تاراج و بر باد شد، نوامیس شان هتک حرمت شد، زنان را به اسارت گرفتند بعنوان غنائم جنگی تصرف نمودند و به منطقه جنوبی و پشتونستان بردند (از این که نادر خان برای استرداد زنان مسلمان هیچ اقدامی نکرد و از تاراج اموال مردم خم به ابرو نیارود فهمیده میشود که این رفتار با توافق قبلی ایشان انجام یافته) آنها به یاد و فراق شوهر و بچه های شان بیگمرد در خانه شوهر جدید داغدار و اشکبار ماندند، اماره و روی فراهم نداشتند در اندک زمان رژیم فاشستی نادر خان افغانستان را به زندان بزرگ تبدیل کرد، حکومت استبدادی و انحصاری برادران نادری (که پادشاه و صدر اعظم، وزیر دفاع و خارجه و داخله و ۰۰۰ خود ایشان بودند) عرصه زندگانی را به مردم تنگ ساخت، جوتور و وارعب، سانسور و اختناق حاکم شد، بگیری و ببندها و بکش آغاز کردید، خانه ها خالی، زندان و گورستانها پر شد، انسانهای آگاه و بآرد، جوانان روشنفکر و بیدار کابل در صدد علاج کار شدند چاره رادر قطع ریشه فساد دیدند از آن جمع قهرمان ازاده عبدالخالق هزاره اقدام کرد، سر حلقه دستگاه نادر اهدف قرار داده و نشانه گرفت تیرهای داغ و گلگوله های اتشین را بر مغز و قلب سردسته ظلم و استبداد نادر خان جلا داد و ارد کرد که مردم بهلاکت رسید و به رود افتاد، سربئی تاج و کلاه و بی روح و رمق را روی قدمهای استوار عبدالخالق قهرمان ساختند. در پی این حادثه نه تنها عبدالخالق قهرمان

رابعاد از شکنجه های وحشیانه و شدید تکه تکه و قطعه قطعه نموده به شهادت رسانیدند که ۲۱ نفر از خاندان و دوستان او خداداد، پدر و مولاداد، عمو و عموزاده ها، ماما و ماما زاده ها همصفا و معلمان و اشنا بیان عبدالخالق را اعدام کردند.

ظاهر خان پسر نادر خان که جوان ۱۹ ساله بود به تخت نشاندند و تیغ پادشاهی پدرش بر سرش گذاشتند، از آن روز به بعد اختناق شدید تر شد، دوره استبداد و نخست وزیری ۱۷ ساله سردار هاشم خان (آخته) عموی ظاهر خان که آدم پست فطرت و بی عاطفه متکبر و فاشست و پبیرو هتلا بود و دوره ۹۶ ساله صدارت داود خان معروف به داود دیوانه شاگرد وفادار هاشم خان و برادر زاده اش این آدم متکبر و جاهل و خود خوله و خشک و متعصب که تمام کارهای مملکتی را - قبضه کرده بودند (و ظاهر خان به تفریح و تماشا و سیروسیاحت مصروف بود) از بدترین دوره های حکومت در افغانستان است دوره ۷ ساله صدارت شاه محمود خان عموی دیگر ظاهر خان فاصله بین صدارت هاشم خان و داود خان که با اسم پدر در مومگراسی شهرت داشت چندان تفاوت با حکومت آن دو تاندا داشت، خاندان محمد زائی

افغانستان را برای همه مردم بویژه ملت های محروم تبدیل به زندان بزرگ یا جهنم سوزان کرده بود، از در دیوار کشور جهل و فقر و ظلم و جور میبارید، از پای تخت و مرکز کابل تا دورترین نقطه کوهستانی و مرزی همه شهرها و روستاها را تحت سانسور قرار داده و در همه جا جاسوس گذاشته بودند نفس ها چپس و زبانها بسته و قلم ها شکسته بود، مگر آنانی که در اختیار و مزدوری دولت قرار داشت متاسفانه تمام وقایع و حوادث ناگفته و ناپوشته باقی ماند (که امروز نمیتوان بدست آورد) یا بنفع دولت و تجدید و تعریف خاندان سلطنتی تا و بیل شد، در هر گوشه مملکت کسانی که حرف از حقوق ملت میزد و سخن از عدالت اجتماعی میگفت که مخالف سیاست و خط مشی دولت بود یا بزهدان گرفتار و بیابانستان میرفت هزاران انسان با درد و مسلمان حق گوی و عدالت جوی برای اظهار حق و خواست عدالت بحپس رفتن، تبعید شدند و بیاکشته و اعدام گردیدند که بعنوان مشت نموه خروار یا یکی از هزار برای نمونه: علامه شهید سید اسماعیل بلخی عالم و شاعر توانا و سخنور نامی بحرم حق گوئی و بیدارگری مردم ۱۴ سال در سیاه چال زندان ماند، بعد از لوی جرگه بنامیشی و قانون اساسی سفارشی و دموکراسی نام نهاد ظاهر خانی آزاد شد، رژیم مستبد بیشتر از چهار سال نتوانست زندگی این قهرمان آزادی خواه و بیدارگر خواب رفته گان را تحمل نماید بدست ایادیش اورا به شهادت رسانید، آیت الله شیخ قربانعلی وحیدی عالم دینی، استاد حوزه علمیه جاغوری که در ده های اجتماعی را با زگو میکرد و فساد دستگاه حاکمه را افشاء مینمود و محمد شریف خان دگروال قوای هوایی " افسر " هوایی پیلوت (طیاره وان عسکری) که مردم را به حقوق شان آشنا و با حکام محلی از ظلم و رشوه خواری شان شکایت داشت بدون محاکمه پنج سال در زندان دهمزنگ انداخته و سپس در دورترین نقطه تبعید کردند، در جواب پرسش محکمه از حرم آنها سید عباس خان والسی " استاندار " عزنی گفته بود که به امر شفائی والا حضرت صدراعظم (داود خان) این دونفر زندان و تبعید شده است، میرعلی اصغر

شعاع استاد و سخنور نویسنده و استاد تدریسی و ۰۰۰ از علما و روشنفکران و اساتید دانشگاه و مغزهای متفکر را فقط برای گفتن حق اعدام کردند.

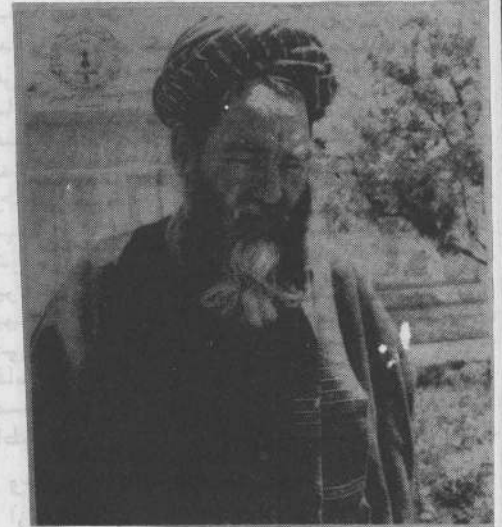
یکی از بدترین ظلم های اجتماعی در عصر ظاهر و داود و تحمیل زبان پشتو بر همه ساکنین کشور بود، هاشم خان نوشتن مکتوب های رسمی را منحصر بزبان پشتو که کسی آن را نمیفهمید ساخته بود و دستور داده بود که در مکتوب ها فقط در سها بزبان پشتو تدریس شود، گرچه شاه محمود خان در دوره صدارت خود این انحصار را برداشت ولی تلاش برای انحصار زبان پشتو و یاد گرفتن اوغانی تا آخرین روز حکومت داود خان ادامه داشت، مامورین و کارگران

دولتی و سربازان عسکری مجبور بودند که در کلاس درس اوغانی بروند، با تمام تلاش سود نبردند ۷۰٪ جامعه افغانستان که زبان دری و غیر پشتو دارند بزبان محلی باقی ماندند از طرح و نقشه های شوم و فاشستی بسیار ظالمانه رژیم ظاهر خان و داود خان که روی برنامه ریزی و پلان گذاری دقیق و حساب شده پایه ریزی شده بود سیستم اداری افغانستان بود که برای حذف و تزیع کردن حقوق ملیت های محروم خصوصا " هزاره ها عملی شد، وزارت داخله رژیم تقسیمات و تشکیلات اداری کشور را انجام داد که تمام امتیازها و حقوق و مزایای سیاسی اقتصادی، صحتی، آموزشی و ۰۰۰ را بر اساس ولایت ها و ولسوالیها تعیین کرده بود که در بین ولایت ها و ولسوالیها تناسب وجود نداشت و تفاوت ها از زمین تا آسمان بود با نه بعضی ولایت ها و ولسوالی ها از تمام مزایای دولتی اجتماعی محروم بودند، فقط مالیات و عسکری میدادند که مناطق هزاره نشین و ازبک و تاجیک و ترکمن از همین مناطق بودند.

در مناطق که مورد نظر رژیم بود ولایت های زیاد و ولسوالی های بسیار در منطقه کوچک و محیط کم جمعیت تشکیل داد و در مناطق محروم عکس آن بود، اکثر ولسوالیها در پکتیا و ۰۰۰ از پنج هزار نفر و شش هزار نفر حتی دوهزار نفر تشکیل شد که امار دولتی آن موجود است در مناطق هزاره جات و غرب کشور از دوسد هزار نفر و یکصد و پنجاه هزار نفر یک ولسوالی تشکیل شد که در بعضی مناطق این جمعیت دوسد هزار نفری مزایای آن ولسوالی پنج هزار نفری رانداشت، مثلا " دایکندی در قلب هزاره جات با جمعیت دوسد هزار نفر از داشتن مکتب محروم گز صحتی و جاده موتر و محروم بود که در ننگر هار و ولسوالی پنج هزار نفری مکتب عالی و مرکز محلی و بهداشتی داشت از قبیل ولسوالی سید کرم و ۰۰۰ که در پارلمان و مجلس شوروی ملی از پنج هزار نفر و ولسوالی هم یکنفر نماینده بود و از ولسوالی دوسد هزار نفری هزاره هم یکنفر نماینده بود که در نتیجه از دوسد هزار نفر مناطق منظور دولت ۲۰ نفر وکیل ساخته میشود، از دوسد هزار نفر از مناطق منفور دولت هزاره و ازبک یکنفر در مجلس می آمد.

رژیم محمد زائی ولسوالی قلا را از قندهار جدا کرد بولایت ارتقاء داد و نام آنرا ولایت زابل نهاد، ولسوالی کرشک را از قندهار جدا کرد و تشکیل ولایت داد و هلمند نام گذاری کرد ولسوالی ارگون و علاقه داری شرن را در حومه غزنی ولایت ساخت و پکتیکانام گذاری کرد و تمام امتیاز که برای قندهار و غزنی داشت برای ولایات نوتشکیل هم تعیین کرد ولسی در دیگر نقاط افغانستان چنین چیزی نشد، ولایات (شرقی) کنرها، لغمان، ننگرهار، کاپیسا جمعاً " برابر هرات یا یک ولایت دیگر مناطق نیست ولی چهار سنا تورداد، جهل نماینده مجلس داشت هرات یک سنا تورداد و یاشن نماینده مجلس داشت، در هزاره جات یک مرکز ولایت بود (پنج اب) آنرا هم حذف کردند که در نتیجه این جمعیت شش، هفت ملیونی از داشتن یک مرکز ولایتی هم محروم شد

متن سخنرانی استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان



بسم الله الرحمن الرحيم .

ان تنصر الله ينصركم ويثبت اقدامكم
(قرآن کریم)

باتشکر از شما مردم قهرمان کابل که با صورتان درین مناسبت قیام سوم حوت یکبار دیگر اثبات کردید که شما برای انقلاب تان و اسلام تان علاقه دارید و برخلاف تبلیغات که در سراسر جهان علیه انقلاب اسلامی میشود که مردم افغانستان از انقلاب دلسرد شده اند و شما عملاً "اثبات کردید که در انقلاب و مناسبت های انقلابی تان دلبنده و پایبند و گرویده هستید، و از کمینه فرهنگی حزب وحدت تشکر میکنم که این مجلس را برگزار کردند تا در رابطه با قیام سوم حوت صحبت شود و با این شکوه و حضور شما حدیث کهنه از برادران نیکه استاد سخن هستند برای شما سخن میگفت و از اینکه وقت عزیزتان را میگیرم معذرت میخواهم و چند کلمه از قصه های انقلاب برای شما میکنم به مناسبتی که جلسه برگزار شده است ، اگر وقت باقی باشد روی چهار موضوع خدمت شما عزیزان صحبت میکنم ، یک مسئله اینجاست دارد و قبلاً از اینک در اصل مطلب وارد شوم برای شما مردم و برای اساتید و برای حضار و برای مجاهدین تبریک بگویم ، این روز را که به یادگار شهادت مان و علمای مان و مراکز دینی ماکه بی گمان اینجا تعطیل بود و امروز این جلسه برگزار شده بسیار مفتخر و خوشحالم و بسیار باید هم از شما مردم و هم از مجاهدین قهرمان و سلاح بدوشان و باید بازوان پرتوان شمارا ببوسم برای اینکه ازین مرکز دینی دفاع کردید و امروز فرصت مساعد شد که جلسه در این جا برگزار شود، از همینجا تقاضا میکنم از اساتید و ایات عظام که این مرکز دینی را اگر چه دشمن خراب کرده است ولی باید ما آباد نگهداریم ، ترمیم کنیم و محال مسانرا بعد ازین در اینجا جابر گذار کنیم و تقاضای ما اینست که نیاز جمعه در آینده در اینجا برگزار شود، تمام آنچه که ما داریم ، عزت و شرف و حیثیت ما از مسجد و دین داری مردم ما است که اینجا باید گرم نگهداشته شود و یکبار دیگر باز هم از زحمات برادران و مجاهدان مردان تشکر میکنم ، موضوعاتی که باید در اینجا مطرح شود اینست که میدانید که مسئله سوم حوت است و دو تا مناسبت در این نهفته است یکی سوم حوت سال ۱۳۵۷ است که قیام چارکننت صورت گرفت و یکی هم سوم حوت ۵۸ است که قیام مردم قهرمان کابل صورت گرفت

این دو تا مناسبت ، مناسبت سوم مناسبت افشار و سوالات و مسائلی که درباره افشار مطرح است و لازم است که شما مردم را در جریان بگذارم ، مسئله چهارم مسئله وضع فعلی مملکت و کابل است که در این رابطه هم صحبت دارم (صلوات) از اینکه هواسرد شده است و این مسجد هم در این مدت خرابه بوده و اب داخل شده و ماه روزه است و شما برادران - در حال روزه داشتن در این جا آمده اید ، اگر جلسه طولانی میشود معذرت میخواهم و از حضور شما تشکر میکنم .
ایه شریفه ، راکه خدمت شما تالوت کردم خداوند تبارک و تعالی در این ایه شریفه میفرماید که اگر کسانی بیاید خدا ایاری بکنند خدا انهار ایاری میکند ، گامهای شانرا استوار و محکم قرار میدهد با این ایه شریفه معتقد هستم که اگر داستان قیام چارکننت را برای شما بیان کنم خوب تفسیر میشود و این مردم ما در انوقت که از همه و از تمام جاهها مایوس شده بود چطور بیاری خدا شتافتند و مراد از بیاری خدا بیاری دین خداست و خدا اینهارا چطور بیاری کرد داستانی که در اینجا وجود دارد که در انوقت من در پاکستان بودم در ۲۶ دلدوره صوف قیام کرد (۷) روز بعدش چارکننت (۲) حوت سال (۱۳۵۷) قیام کرد، این قیام در وقتی صورت گرفت چارکننت بسیار سرد شده بود و برف خیلی زیاد بود، علماراکثرا "گرفته بودند دولت مارکسیستی انوقت از علما که گذشتند ریش سفیدان و متنفذین را از یک منطقه کوچک ۳۰ نفر جمع کردند گرفتند و مردم شروع کردند بقیام عجب بود که این مردم وقتیکه قیام کردند شاید در چارکننت تمام سلاحهای شکاری از ۳۰ تا ۴۰ تانجا و نیم کرد در بین این سلاحهای شکاری که انجام معروف است به سه چره یک سلاح ۳۰۳ بور و وجود داشت مردم با بیل و کلنگ و داس و قیچی و این چیزها آمدند و لسلوای را گرفتند کسانی که بلد ناشدند از چارکننت و از انجائیکه قیام شروع شده بود تا نزدیکی شهر مزار که بنام تنگی شادیدان معروف است ۲۵ کیلومتر فاصله دارد بعد آمدند تنگی شادیدان را گرفتند حکومت ترسید بود و تعدادی از علمای راکه در مزار مانده بود بایک تعداد از ریش سفیدهای مردم شیعه و هزاره را در چارکننت فرستادند که شما با دولت نمی توانید مقابله کنید باید تسلیم شوید بعد از اینکه اینها آمدند تنگی شادیدان تنگی راه ندادند با عذر و زاری در پیش قوماندان که انجا بوده و این نفر در سال (۶۰) این قضیه را خودش صحبت کرد ، گفت که اینها حرف شانرا گفتند که ما برای خدا قیام کرده ایم و تکیه ما هم خدا هست و تسلیم نمیشویم و ما سر مزار هم حمله میکنیم ، این عزم مردم بود اینها برگشتند، گفت وقتیکه برگشتیم از تنگی میخواستیم رد شویم در پائین تنگی نیرو های دولت بود و در تنگی اینها پیرو میدادند گفت یک چیز در دست این نفر بود هر چه که قصد کردم که این چه باشد نفهمیدم این نفر با این آله که در دستش بود برای پیرو کردن اینجا ایستاده شده بود گفت ما با اجازه از پیش این پیرو دار رد شدیم گفت دلم طاقت نکرد فرتم کنارش گفتم برادر همین چیزی که تو با او قیام کرده ای، و آمده ای اینجا ایستاده شدی این را ببینم چیست ؟ گفت خیلی زنگ زده بود دستم هم نداشتم ، ان مجاهد گفت که این ساطول (ساطور) است ، این آدم گفت که من وقتی که از پهلوی اینها گذشتم تا در پهلوی نیروهای دولتی ترسیده بودم مرتب

گریه میکردم هیچ اب دیده خود را گرفته نمی توانستم و تحلیل اش این بوده که این مردم - برباد شد ولی ما هم هزاره هستیم و شیعه چه بگوئیم ، گفت تا وقتیکه در قوانین رسیده بودم مرتب گریه میکردم هیچ بحال نبودم گفتم عجب مردم مانا بود شد . این داستان سال ۵۷ است .
در سال ۱۳۵۸ وقتیکه روسها وارد افغانستان نشده بود من آمدم چارکننت و بر چارکننت هم حمله شد، یک چیز هم این جا خدمت تان بگویم ، بعد میرسیم به این مسئله که در چارکننت در ظرف ۳ ماه ۱۷ بار دولت سر همین مردم حمله کرده بود ۱۷ بار و صدها خانه در همین سردی زمستان اواره بودند چارکننت را اگر شما بلد باشید مخلوط است از تاجیکها و از بیک ها و هزاره ولی این قیام اختصاص داشت به مردم شیعه برادران اهل تنسن که در چارکننت هم بود با دولت همکار و سر اینها حمله کردند و دره صوف هم همین وضع را داشت ۱۷ بار ظرف ۳ ماه یعنی مرتب سر اینها حمله شد .
سال ۵۸ هفت هزار نفر تهیه شده سر چارکننت حمله کردند ما هم انجا بودیم تا سال ۵۸ سلاح غیر از سلاح که از لسلوای گرفته بودند هیچ تغییر نکرده بود یعنی تا سال ۱۳۵۸ هم که یک سال از قیام گذشته بود یک دانه راکت برای نمونه در چارکننت نیامده بود که کسی بلد باشد که راکت ضد تانگ یعنی چه ولی با هفت هزار نفر با تانگ سر چارکننت حمله کردند ، روسها در مقابل اینها مقاومت نکرد و یک کوه بسیار بالا بود که متا سفانه باز هم از مردم خود ما از اینها یک با دولت همکار بود از مزار اینها راه بلد شده بود از بین کوه نیرو را شب در سر کوه رساندند ولی این مردم با همان بیل و کلنگ و قیچی و اینها پیش حمله کردند ، دو هزار میل سلاح را از همین جنگ گرفتند (۷۰۰) نفر همانجا کشته شده بود و باقی نفر از کوه پائین شده بود بغل کوه حالا - چقدر نفر از بین رفته بود معلوم نیست ، بهر صورت ماشین برمه آورده بودند و همین کوه را برمه کردند ، یک نیم ماه این جنگ طول کشید تانگها برآمد در این کوه تانگها که برآمد در همین کوه اینهم زمانی است با کشته شدن تره کی بسیار وحشت داشت بعد ۱۸ نفر از ریش سفید های مزار را دولت فرستاد که با مجاهدین چارکننت مذاکره بکنند که اینها سر مزار حمله نکنند مادر این جنگ ده هزار نفر اواره داشتیم وقتیکه تانگها برآمد چون ضد تانگ هیچ وجود نداشت تا انجائیکه تانگ رفته میتوانست رفته بود و از دره صوف به کمک ما (۲۵۰) نفر آمده بود ولی در مزار انعکاس پیدا کرده بود که ۱۸۰۰۰ - نفر آمده ۱۸ نفر از ریش سفید ها را فرستاده بود که مذاکره بکنند و توافق شود که اینها چارکننت را تخلیه بکنند و ما سر مزار حمله نکنیم ، همان نفر که در روز اول آمده بود که از تنگی گذشته بود و این تکه آهن را در دست یک مجاهد دیده بود همین نفر هم در حمله نفرها بود ، همین ۱۸ نفر که آمد سلاح که انروز گرفته شده بود کلاشینکوف خیلی کم بود و کوره بین بود و همین ماشین های (پی ، پی) ۲۰۰۰ میل سلاح را چارکننت گرفته بود، بعد مذاکره شروع شد در یک جای منطقه تعیین شد همین ۲۰۰۰ نفر که سلاح غنیمتی گرفته همه بدوش اش است همه با اسلحه و با الاغ این هادرا این دشت آمده از دور بسیار عظیم معلوم میشود



شاید ده هزار نفر، همین نفراد این جانگاہ کرد و گفت که ما لان یقین کردم که خدایما رایاری کرده و شما پیروزمی شوید، من خوشحال هستم انروز شما درست میگفتید و من اشتباه کرده بودم تا مزاراگریه کرده رفتم که قوم مانادان است، تنباه شد امروز که شما اینقدر سلاح را گرفتید حالا بشما می گویم که تسلیم نشوید اینرا ما میگویم که مسلما " این قیام برای خدای بوده، برای یار و دین خدای بوده و خداهم یاری کرده است، این تفسیر این آیه است

آن مسئله که من در پاکستان بودم قضیه چهار کنت و مسئله دره صوف مطرح شد من در دفتر جمعیت یوم از کابل رفته بودم نورالله عماد در انجمنی بود خوب اینها ارتباطاتی داشت ما ارتباط نداشتیم ارتباطاتی که شمال داشت همین مصیبت راداشت، گرچه شاهکاری و مسایل زیاد داشته و در خارج کم منعکس میشد، بهر حال اینها ارتباط داشت برای اینکه دره صوف و چهار کنت قیام کرده هزاره هاهم قیام کرده آمد در جلسه که ما با آقای ربانی بودیم گفت که من برای شما یک بشارت بدهم، ان بشارت این است که این انقلاب تضمین پیدا کرد که شیعه ها و هزاره ها قیام کرده این از نورالله عماد که شما خوب میدانید بسیار عجیب بود و حرفی هم که من در ان جاگفتم هم باز عجیب بود " گفتم اگر انقلاب پیروز شد هم همین را گفتید " آقای نورالله عماد خوب است، که نگفت، این مسئله بود که در انجا بود یک سال تمام دره صوف و چهار کنت فقط شیعه ها قیام کردند دیگر کس در این قیام شرکت نکرد ولی یک سری مردم شان دوست داشت نماند میرساند کمک میکرد مخفیانه و از نگاه تاریخ و تاریخ انقلاب برادران نشستند در پاکستان گفتند شیعه ها در انقلاب نقش نداشته یار نمونه است در ظرف سه ماه کل مناطق هزار جا پاکستانی شد که هیچ جای دیگر به این گسترده قیام نکرده بود

اما ۳ حوت کابل - یک ویژه گی دارد برای اینکه روسها آمدند افغانستان را اشغال کردند و شما میدانید که در ۶ جدی بود جدی ۵۸ در ۳- حوت ۱۳۵۸ مردم قهرمان کابل قیام کرد- ۵۷- روز بعد از ورود ارتش سرخ روسیه، شما باور کنید عظمت این انقلاب و این مردم را، ما خود که در داخل این انقلاب و مردم هستیم درک نمی کنیم، روزیکه روسها آمده بود برای افغانستان کل دنیا از افغانستان دست شسته بود، حتی افغانی های که خارج از افغانستان بود، انچنان وحشت در دنیا حاکم شده بود که افغانستان که رفت مسئله ایران و مسئله پاکستان چه میشود، چون ارتش سرخ روسیه اثبات کرده بود که در هر جا پیش رومی گذاشت در سرزمینی وان سرزمین را حاکم اتحاد جماهیر شوروی قرار میدهد و بیرون نمیرود، این یک مسئله بود که در دوران حکومت مارکسیستی روس به اثبات رسیده بود ولی مردم قهرمان ما چه کردند بعد از ۵۷ روز با هم در این حاشیه های بشکام شدند، اول این حرکت از افشار شروع میشود و اینکمی می آیند چندا دل و افشار را می زنند در تاریخ و در زندگی مردم ما ویژه گی خاصی دارد از افشار شروع میشود این حرکت و می آید به زود ترین فرصت حوزه پنج را بر مردم قهرمان خلع سلاح میکند، سرسلیومی آیند، ملی بس را میگیرند، از برچی شروع میشود تا کوه سنگی را می آیند، بعد خیر خانه و چندا دل و همه جا در اینجامن معتقد هستم به اینکه روسها در همان روز با این قیام مردم ما شکست خورده بود یعنی همان روز ما یوس شده بود که ما در

افغانستان مانده نمیتوانیم و این قیام انقدر ارزش داشت که اگر تجارت ۱۴ ساله تعدادی از کسانی را که بنام افغانستان کمک جمع کردند سرمنشاهان همین قیام سوم حوت بود یعنی دنیا میدوار شد که مردم افغانستان روسها را قبول ندارد و قیام کرده و نفی میکنند، آنچه که بما گذارش داده اند نقش بیشتر را هم در اینجا

خواهران انجام دادند، این عجیب بود بعد متا سفانه پس از ۱۴ سال مبارزه و جهاد و زجر و تکلیف تعدادی از رهبران میگویند نصف از جمعیت ما حق ندارند برای سرنوشت شان حرف بزنند ولی اینها در پاکستان و اروپا نشسته بودند و این خواهران قهرمان این حرکت را به وجود آوردند و مردم کابل خوشید، بما گفته اند صحت و سقم اش را نمیدانم که از خواهران در جاده میوند چادرش را گرفته بسریک افسر افغانی انداخته بوده و گفته بود تو غیرت افغانی کی ات را فراموش کرده ای این چادر ما را تو سر بکن و سلاح ات را بده که ما از خود دفاع بکنیم، من معتقد هستم که این حرکت حرکت سرنوشت ساز بود و ما باید از این روزها تحلیل کنیم و شما حق دارید که درین ماه روزه، درین هوای سرد علاقه نشان بدهید و بیایید برای اینکه آنچه در این انقلاب افتخار است، عزت است و سرفرازی از قیام ۳ حوت کابل و ۲۴ سرطان چندا دل است که این افتخار را مردم ما داشته و امروز برادرها برای این قیام افتخار میکردند و میبالیدند، متاسفانه وقتیکه انقلاب خریدار پیدا کرد و کمک کرد مردم ما را گفتند نقش ندارد در این انقلاب، اگر داستان بامیان را که مردم ما تسخیر کرد با تبر پیام شان ازین گروه عجیب تراست، بعضی نفرها که انجا پهلوی روسها بودند، این داستان را با مصحبت میکرد که وقتی حمله کردیم سر بامیان با تبر و بیل و کلنگ سید لم لم اغاشید شد خدار وحش را شاد بکند که حنازه اش هنوز پیدان شده، روسها شکست خورد و رفتند و ۰۰۰ ولی ان نفری که در کنار خود ان روس بوده گفت ان روسی دست زیر ندان می گرفت می گفت با این مردم نمیشود، این مسایل بود که من معتقد هستم قیام بامیان، چندا دل و ۳ حوت کابل روسیه را ما یوس کرده بود از این سرزمین و از همان روز تصمیم گرفته بود که بروندانه چه رقم بیرون بروند از اینجا نجات پیدا بکنند که در ۲۶ دلو با کمک امریکا بیرون رفت، این افتخار مردم ما است و ما باید از این روزها تحلیل کنیم

اما در رابطه به مسئله افشار، در مسئله افشار واضح روشن است و ما برای شما مردم وعده داده بودیم برای اینکه این خیانت تاریخی که سر ما پیش آمده عاملین این را بگیریم این مسئله را بشما وعده داده بودیم خوشبختانه با این مسئله ما موفق شدیم دوتفر بیشتر از کسانی که در افشار خیانت کرده و محاکمه شده باقی نمانده که این دوتفر فراری است و دیگران را کلا " گرفته ایم (تکبیر حضا) و پیرونده های اینها هم تکمیل شده، شورای - تصمیم گیری که انوقت شورای مرکزی در بامیان تشریف داشتند با شورای عالی نظارت کمیونی تشکیل داد و این کمیون بررسی کرد این مسئله را و پیرونده ها تکمیل است و شما مردم افشار هم که درخواست کرده بودید که باید این خیانتیکه برای مردم ما تحقق پیدا کرده اینها مجازات شود و ما هم با شورای مرکزی که صحبت کردیم وعده دادیم که این کار انجام شود، متا سفانه این مسئله نشد البته این به این معنی نیست که شما برادران و - ملت قهرمان تشویش داشته باشید که کسانی باشد که از خائین حمایت بکنند این نیست هیچ کس نه این تصمیم را دارد در حزب وحدت که از خائین حمایت بکند، نه در مقابل خواست شما مردم این توان را دارد ولی طبیعی است اینها یکه این خیانت را کرده است با هم از مردم ما و شماست اینکه از مردم ما شماست است با هم اینها طبعاً " پدر دارد، مادر دارد - قوم دارد، دوستی یک چیز است که آدم رو

معیار دوستی بدی بعضی چیزها را درک نمی تواند یک پدر و مادر بر فرزندش انقدر علاقه دارد که کم پیدا میشود که بدی اش را درک کند لهذا فاجعه افشار یک فاجعه ملی است برای مردم ما ولی طبیعی است که پدر و مادر و اقوام اینها وساطت میکنند پیش بزرگان میروند پیش شورای مرکزی میروند، طبیعی است که هر کسیکه در قضیه حرم بکند یک طرف حکم صادر شود اون ادعایش اینست که من بی گناه هستم، هیچ وقت نمی گوید خیلی کم پیدا شود که یک کس بگوید که بلی من با کانه بودم و خوب است که مرا جزا بدهد این کم پیدا میشود لهذا روی این مسئله برادران شورای مرکزی و - شورای عالی نظارت گفتند که روی این مسئله پرونده های یکبار دیگر با بررسی شود و تحقیق بیشتر شود که طبعاً " این قضیه که وقتی پیش می آید یک سری ناراضیاتی هائی هم از طرف فامیلین و منطقه اینها بوجود می آید، روی این مسئله تا خیر افتیده و من برای شما در اینجا اطمینان میدهم که کسی حاضر نیست در حزب وحدت که این خائین ملی را ببخشود و از ش بگذرد، این را مطمئن باشید (تکبیر حضا) باز هم در این مسئله تشویش دارید و جای ایحاد تشویش میکنید اینرا هم ما برای شما اینجاییان میکنم خدمت شما توضیح می دهم که مطمئن باشید اینطوری که شایعه پخش میشود اینطوری نیست شما در جریان این قضیه هستید که بعد از ۲۰ روز سقوط افشار کمیون بین جمعیت اسلامی و حزب وحدت تشکیل شد و توافقنامه (۸) ماده را امضا کردند که این توافقنامه را هم رادیو کابل اعلان کردند و هم رادیو دری مشهد، چون این یک اصل است در دنیا، اخر هر جنگ صلح، این در دنیا همیشه چه دولتی حساب بکنی چه حزبی حساب بکنی چه منطقه حساب بکنی هر قدر که جنگ باشد اخر صلح است بعد این کمیون وقتیکه دایر شد حتی با فتح دارا لان و ریاست پنج هم یا بعدش یا قبل اش این کمیون دائر بود قطع نبود، گپ خود را، مذاکره خود را می کردیم، می گفتیم ولی جنگ هم پیش آمد تا وقتیکه جنرال دوستم آمد، نیروی حائل در - بین جمعیت و حزب وحدت انداخت کمیون ۳ جانبه شد یک جانب جمعیت اسلامی و یک جانب حزب وحدت، یکی هم از جنبش ملی اسلامی، مذاکرات خود را داشتیم و حرفهای خود را میزدیم، این حوادث که در اینجا - اخیراً " در کابل پیش آمد قبل از این حوادث - مذاکرات جدی شده بود با جمعیت که توافق نامه امضا شده عملی شود، انها هم جدی این مسئله را می گفتند که باید عمل شود، جنگ پیش آمد، جنگی که پیش آمد خود شما میدانید با پیش آمد جنگ در هر وقت قضیه در این مسئله و در مذاکرات سیاسی پیش می آید ولی باز دوبار جنگ که پیش آمد نظارت جنبش ملی اسلامی از این کمیون حذف شد، دو جانبه ماند و برای مردم ما چون افشار مهم بود، خواسته اول حزب وحدت این بود که توافق نامه که عمل شود در افشار عمل شود، روی این مسئله کمیون جدی شد و انها گفتند که ما افشار را تخلیه می کنیم این در شورای مرکزی مطرح شد، شورای مرکزی ۱۵ نفر از این خودشان صلاحیت دادند که بروند در این رابطه تصمیم بگیرند که تصمیم از اینها تصمیم شورای مرکزی است مادر این جا (۱۵) نفر که رفتیم ۳ نفر اهیئت تعیین کردیم برای مذاکره و جدی وقت دادیم که حالیکه توافقنامه را عمل میکنید وقت وزمانش را مشخص کنید، این تصمیم شورای مرکزی بوده و خواست حزب وحدت بوده و اگر بیاید کسی که در بین شما القاتی بکنند از اینکه ما هستیم که افشار را بدون جنگ می گیریم

شاه و ژنرال، جنگ و ائتلاف

مع الوصف پس از پیوستن ژنرال دوستم بمجاهدین سمت شمال و امضای توافقنامه سه جانبه یکی از اهداف وی عملی شده و رژیم که ۱۴ سال بطور غاصبانه بر سرزمین اسلامی افغانستان حکومت نموده و خود را در برابر اراده پولادین ملت قهرمان کشور قرار داده بود از صحنه سیاسی افغانستان حذف و نابود گردید. و نجیب مزور که تا دیروز خواستار شرکت و حضور در هر گونه ساختار سیاسی آینده بود ذلیلانه بپا بفرار نهاده و با اینکه قصد خروج از افغانستان را داشت با هوشیاری مجاهدین و مسئولین در فرودگاه (میدان هوايي) کابل موفق نشده و سرانجام در ساختمان سازمان ملل مخفی گردید.

مکروا و مکر الله و الله خیر الماکرین - ۲ وجود مشترکات تاریخی:

یکی از محورهای عمده و اساسی که اقوام و طوایف مختلف و ملیتهای گوناگون افغانستان بدوران چرخیده و عامل اصلی اتحاد و همبستگی آنان در تمام فراز و نشیبهای سیاسی، اجتماعی در طول تاریخ بوده و در آینده نیز ضامن سعادت و خوشبختی و حافظ استقلال و آزادی و تمامیت ارضی کشور خواهد بود مکتب انسان ساز اسلام و حاکمیت ارزشهای والای آن در میان مردم مسلمان وتوده های رنج دیده افغانستان می باشد. بدون شك اگر مکتب نجات بخش اسلام بعنوان محور اصلی حرکتها و تحولات در این سرزمین نمی بود معلوم نبود که قدرتهای استعماری و جهل خواران شرق و غرب چه بلای بر سر ساکنان آن آورده و افغانستان را بچنگ کشور کوچک و حکومت جداگانه و بدور از زندگی مسالمت آمیزی تقسیم مینمودند، امام مردم خدای و مومنان افغانستان با توجه به دستورات عالیله قرآن کریم و هدایات پیامبر بزرگوار اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) وحدت و همبستگی اسلامی و مکتبی خویش را در تمام مسایل و تحولات درون کشوری حفظ کرده و با استقامت و پایداری کم نظیر و بیادونکر خداوند در مقابل دشمنان اسلام و جهان خواران شرق و غرب ایستادند چنانچه خداوند به مومنین در این باره سفارش میکند:

یا ایها الذین امنوا اذیقم قمته فائتبتوا وانکروا... کثر العلکم تغلحون و اطیعوا... و رسوله ولا تنازعوا فتشلا و اتذبه ریحکم واصبروا ان الله مع الصابرين (۱) ای کسانی که ایمان آورده اید هرگاه با گروهی از دشمن مواجه شدید پایداری کنید و خدارا پیوسته یاد آرید تا اینکه پیروز شوید و همه پیرو فرمان خدا و رسول او باشید و هرگز با هم نزاع و اختلاف نداشته باشید زیرا در اثر تفرقه و اختلاف، شکست می خورید و قدرت شما نابود خواهد شد بلکه بر دبار و صبور باشید که همانا خداوند با صابران است.

پیامبر بزرگوار اسلام (ص) میفرماید: ان کل مسلم اخ للمسلم وان المسلمین اخوه (۲) هر مسلمان برادر مسلمان دیگر بوده و تمام مسلمانان با هم برادر و برابرنند، و لبها الناس ان ربکم واحد وان اباکم واحد کلکم لادم و ادم من تراب (۳) ای مردم! خدای شما یکی است، پدر شما یکی، همه شما از نسل ادم هستید و ادم از خاک آفریده شده است و...

امادرعین حال، این حقیقت را نباید نادیده گرفت که وجود اقوام مختلف و طوایف گوناگون چون تاجیک، ازبک، هزاره، افغان، قزلباش و نورستانی و... در افغانستان نسبت بیکدیگر، ارزیابی نمائیم علاوه بر مشترکات ملی و اسلامی، مذہبی و فرهنگی، مشترکات تاریخی نیز از گذشته های دور میان مردم مسلمان و متدین این مرز و بوم مطرح بوده و گاه و بیگاه در بین اکثریت ساکنان سرزمین افغانستان تاجیکها، ازبکها و هزاره ها و... سبب پیوند

بیشتر، قلمداد میشود.

گرچه استعمارگران سعی داشتند که از طریق ایادی و دست نشانندگان خویش با بزرگ نمودن اختلافات مذہبی، نژادی و زبانی مردم این کشور را در مقابل هم قرار داده و از این دسته بندیها بعنوان یک وسیله تبلیغاتی و حربی کشنده برای از بین بردن وحدت ملی و اسلامی آنان استفاده نمایند که مرور و مطالعه تاریخ سلاطین فاسد و حکمرانان جاهل گذشته افغانستان این مدعا را ثابت کرده و ما را بعمق توطئه های شوم آنان آگاه خواهد نمود.

بر این اساس میتوان گفت که تمام مردم مظلوم کشور نسبت بمظالم حکومتی، طاعتی سرنوشت مشترک داشته و مورد ظلم و بیعدالتی یکسان قرار گرفته اند و لسی محرومیت و محکومیت تاریخی را که در بافت رژیمهای سابق اقوام تاجیک ازبک و هزاره متحمل شده اند دیگر اقوام موجود و ساکن در افغانستان، ندیده و همانند آنان دچار انزوای سیاسی و تاریخی و... نشده بودند.

با همه فرازونشیبها و اعمال حب و بغض ملیتهای محروم ساکن در افغانستان و بکار گیری سیاست تبعیض و بیعدالتی رژیمهای گذشته و کوبیده شدن آنان، از طرف طبقه خاص حاکم، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی افغانستان اکثریت ناظران سیاسی در داخل و خارج بر این عقیده بودند که روحیه هماهنگی و همبستگی ملی بین ملیتهای محروم و فارسی زبانها بیشتر خواهد بود و با روی کار آمدن آقای ربانی بعنوان رئیس جمهور کشور و کثرت جمعیت و حضور آنان در افغانستان نقش عمده را در ساختار سیاسی آینده حفظ کرده و یا حداقل مظالم گذشته را از بین خواهند برد. لذا ژنرال دوستم بعنوان رهبر جنبش ملی و از قوم ازبک، یگانه متحد طبیعی خویش در این حرکت پر پیچ و خم و جدید آقای احمدشاه مسعود و زیر دفاع وقت و همه کاره جمعیت اسلامی آقای ربانی (تاجیکها) را دانسته و با وارد کردن حزب وحدت اسلامی افغانستان نیز در معرکه کار و زار، حلقه ائتلاف را تکمیل پیش بینی مینمود.

اما اینکه این تحلیل و پیش بینی تا چه اندازه در کشاکشهای سیاسی، اجتماعی و تحولات درون کشوری افغانستان نقش بازی کرده و مومنان خواهد بود بقول یکی از رهبران حزب معروف... بستگی به... وارد و باید نظاره گرواوضاع آینده بود.

ندانم جزنات پیروزانگبارشده که فراد چه یازی کند روزگار ۳- رفع محرومیت های گذشته:

چنانچه کیفیت ساختار تشکیلاتی و اداری حکومت های سابق افغانستان را در نظر بگیریم جای تردید باقی نمی ماند که در طول تاریخ افغانستان یک اقلیت مطلق بر سر نوشت و مقدرات مردم این کشور حاکم بوده و همه چیز را در انحصار خویش قرار داده بودند، پادشاهی و امارت، ریاست جمهوری و صدارت، وزارت و سفارتخانه ها، عزل و نصبها، آموزش و تحصیل استفاده از امکانات عمومی و دولتی، اخذ رتبه و درجه عالی نظامی و... مخصوص برادران پشتوزبان بوده و توگوئی که خداوند بزرگ چنین مقرر کرده است که حکومت و ریاست و اوقائی و فرمانروائی برای این قشر ساخته شده و بقیه ملیتها و نژادها، اقوام و طوایف (ازبکها و تاجیکها خصوصاً شیعیان) برای همیشه محکوم و فرمانبردار خلق شده اند.

و از طرفی بیگانگان و قدرتهای استعماری سعی

داشتند که طبقه حاکم از پشتوزبانها همچنان در کشاکشهای داخلی حمایت کرده و حکمرانان محلی نیز از طریق اشاعه ظلم و استبداد، زور-گوئی و بیعدالتی، ترویج جهل و بیسوادی و ایجاد اختلاف و تفرقه، مانع از مشارکت و حضور فعال اکثریت مردم در صحنه های اداری و دولتی کشور گردند که این امر زمینه گسترش همبستگی ملی و اسلامی، حفظ استقلال و آزادی سیاسی و رشد فکری و آگاهی عمومی را از میان مردم سلب کرده و حکومت های استبدادی و انحصاری، خودکامه و سرکوبگر را در مقاطع مختلف از تاریخ کشور اسلامی افغانستان در اوج قیامهای اسلامی و صد استعماری مردم از سقوط و سرنوشتی قطعی نجات دادند.

علامه بزرگوار، مجاهد قهرمان و شهید همیشه زنده، تاریخ سیداسماعیل بلخی که سالیان دراز، رنج و محرومیت، دربدری و بدبختی، اسارت و گرفتاری و... ملت مظلوم و رنج دیده خود را با جان و دل احیاس کرده و سرانجام خون خویش را در راه آزادی کشور و فرزندان زجر دیده، آن فدائانمود از بیعدالتی و نابسامیهای اجتماعی بجامانده از رژیمهای فاسد و طاغوتی این چنین فریاد میزند:

به اروپا و آمریکا و چین و ژاپن مالک منقل برقی شده دهقان امشب همه افراد مالک زخوشی بهرورند با همه در صد سبقت و رجحان امشب

جمله آزاد زانواع نعم برخوردار هست یک ملت پسمانده هراسان امشب نه حیاتی و نه علمی و نه آزادی رای مانده در فکرت پوشاک عم نان امشب

کفن مرده زکاه است و زخاشاک زمین نیست برزنده دیگر چیز جز ارمان امشب هیچ دانی که کجا گفتم و ان ملت کیست آنکه مرکز بودش کابل باستان امشب ۴

اما پس از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ خلقیها و پرچمیها مژد دور و وابسته به بیگانه و تجاوز بینه مقدسات اسلامی و مذہبی ملت مسلمان افغانستان توسط کهنیستها، تمام اقوام و ملیتهای ساکن در آن با وحدت و همبستگی اسلامی جهت دفاع از حریم مکتب اسلام و ارزشهای والای انسانی و دفع تجاوز بیگانگان و اشغالگران با توجه بدستورات نجات بخش قرآن کریم: یا ایها الذین امنوا ان تنصروا الله

ینصرکم و یتثب اقدامک (۵) و الذین جاهدو فینا لنهینهم سلبنا و ان... (۶) و الذین امنوا یقاتلون فی سبیل... و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الظاغوت (۷) و... قیام مسلحانه را در سر اسر کشور اسلامی خویش آغاز نموده و بار سنگین جهاد را بطور مساوی در طول چهارده سال بدوش کشیدند

و اکنون که شمره جهاد مجاهدین و ملت مقاوم و دشمن شکن افغانستان به ثمر رسیده و طومار حکومت غیرقانونی و تحمیلی کمونیستی درهم پیچیده شده است تمام اقوام و طوایف و احزاب و سازمانهای اسلامی کشور در قالب مجاهدین حق دارند که با تشکیل حکومت اسلامی قابل قبول برای همگان و مبتنی بر عدالت اجتماعی، مظلومیتها و محرومیت های بجامانده بیش از دو قرن را از میان مردم ببردند.

لذا جنبش ملی اسلامی افغانستان برهبری ژنرال دوستم و برخواست از متدین برادران مسلمان و مظلوم ازبک که سالیان دراز، مورد ظلم و استبداد حکومت های طاغوتی قرار داشته و همانند سایر اقوام مسلمان و مظلوم تاجیک و هزاره (شیعیان) هیچگونه امتیازی نداشته اند در صدد بودند که از طریق ایجاد تفاهم و هماهنگی با رهبران جهادی برادران مسلمان تاجیک (احمدشاه مسعود و برهبران الدین ربانی) از یک طرف و رهبران حزب وحدت اسلامی افغانستان، بعنوان نمایندگان قانونی

واقعی شیعیان (هزاره ها) این کشور از طرف دیگر در کنار برادران مسلمان افغان و پشتو زبان زمینه زندگی مسالمت آمیز را در میان اقوام و ملیتها فراهم نموده ظلم و بیعدالتی، تبعیض و محرومیت اجتماعی را از آن بکها بر طرف سازد. مقصد این است که ملت بحقوقی برسند.

من نگویم همه شان را تو بمیران امشب رحم کن بر همه اسلام بماملت هم

خائنین را بکن از ریشه و بنیان امشب

۲- شرکت در ساختار سیاسی دولت مجاهدین:

پس از سقوط دولت نجیب و پیروزی انقلاب اسلامی افغانستان، این موضوع مشخص بود که کیفیت تشکیل دولت اسلامی و ساختار سیاسی

آن متشکل از نیروهای جهادی اعم از تقسیم پستهای کوچک و بزرگ و ارگانهای دولتی با معیارهای حزبی و گروهی در نظر گرفته شده و قبل از برگزاری انتخابات سراسری و تعیین فردی افراد متعهد از طریق پارلمان و مجلس در اداره کشور، به شکل یک دولت ائتلافی است، جنبش ملی اسلامی نیز خود را بعنوان یک حزب و تشکیلات ملی و اسلامی مبتنی بر باورهای مکتبی و متعلق به ازبکها دانسته و در صدد بود که در اداره آینده کشور و بافت دولت مجاهدین حضور فعال خویش را حفظ نماید.

بعبارت دیگر: ژنرال دوستم عقیده داشت که از طریق ایجاد ائتلاف با احمد شاه مسعود و زیردفاع دولت اسلامی، نیروهایش را بدون در دستر دردهای ارتش و اردوی دولتی جایجا کرده و همانند بقیه احزاب اسلامی و جهادی، در دولت آقای ربانی در تصمیم گیریهای مشترک و مربوط به اداره کشور شریک و سهمی باشد.

۲- اهداف احمد شاه مسعود از ائتلاف: پس از جمع بندی و نتیجه گیری لازم در بخش اول و بر شمردن عوامل و انگیزه های ائتلاف ژنرال دوستم با شورای نظار و در مجموع جمعیت اسلامی (تاجیکها) اینک وارد دومین مرحله، از مطالب مورد بحث میشویم که:

مقابلا "اهداف احمد شاه مسعود از ائتلاف با نیروهای جنبش ملی چه بوده و اصولا "وی - چه برنامه هایی را در این راستا دنبال مینمود؟ چنانچه برخورد و عملکرد یکساله وزیر دفاع سابق آقای احمد شاه مسعود خصوصا " در چند ماهه اول پیروزی مجاهدین و روی کار آمدن دولت برهان الدین ربانی را در کابل در نظر بگیریم در این رابطه می توانیم اهداف ذیل را بر شماریم:

۱- رسیدن به چوکی وزارت دفاع باتوجه به فتح شهر مزار شریف و تشکیل شورای عالی نظامی صفحات شمال و آماده شدن مراحل سقوط دولت غیرقانونی نجیب در کابل آقای احمد شاه مسعود، این پیش بینی را کرده بود که چنانچه با هماهنگی نیروهای ائتلافی متشکل از ژنرالان و نظامیان شورشی شمال برهبری ژنرال دوستم و مجاهدین حزب وحدت اسلامی افغانستان در ولایات شمال، خصوصا " در پایتخت کشور، شهر کابل را فتح نماید با زور و بازوی آنان و تبلیغات وسیع بعضی از -

رسانه های غربی و محافل خارجی از وی و ۰۰۰ به اسانی وزارت دفاع را تصاحب خواهد نمود و از طرفی در تشکیل دولت یکطرفه و ماجراجو در پیشاور و طرفداری مستشاران نظامی و اطلاعاتی عربستان و پاکستان از احمد شاه مسعود و پذیرفتن رهبران جهادی هفتگانه نیز مسئله

وزارت دفاع بنام وی در نظر گرفته شده بود. البته این نکته را نباید نادیده گرفت که آقای مسعود بحوبی میدانست که برخورد ناسالم نیروهای ژنرال دوستم در دوران حکومت خلقی، سبب خواهد شد که آنان جهت کسب وجهه مذهبی و مشروعیت سیاسی لازم خویش را ملزم به اطاعت از فرمان و دستور احمد شاه مسعود دانسته و در کینده همانند نیروهای - شورای نظار در قالب اردوی وزارت دفاع دولت اسلامی از وی حمایت همه جانبه نظامی نموده و مدافع هرگونه خطر احتمالی از وی و وزارتخانه اش خواهد بود. و از طرفی رهبران و نیروهای جهادی حزب وحدت اسلامی افغانستان با اینکه اصل ترکیب دولت و ساختار سیاسی بوجود آمده در پاکستان را شدیداً " رد کرده و آنرا مغایر با واقعیتهای موجود داخلی کشور از نظر بافت سیاسی، نژادی و مذهبی می دانستند ولی با توجه به اعزام هیئتهای عالی رتبه در چند مرحله و امضای توافقنامه همکاری و هماهنگی بین آنان و احمد شاه مسعود، نسبت بوی از خود مخالفت جدی نشان نداده و سعی داشتند که تفاهم ایجاد شده بین جمعیت و حزب وحدت اسلامی افغانستان در حد رضایت بخشی باقی بماند.

لذا پس از انتقال قدرت به آقای مجددی در تاریخ ۲۲ آذر ۱۳۷۱ و آغاز ریاست جمهوری دو -

ماهه وی، احمد شاه مسعود، به آرزوی خویش رسیده و بعنوان وزیر دفاع دولت اسلامی منصوب گردید.

در حالیکه اگر کمکها و حمایتهای همه جانبه نظامیان و ژنرالان جنبش ملی اسلامی در روزهای اول حاکمیت مجاهدین در کابل در قالب نیروهای وزارت دفاع و اردوی دولت، از آقای مسعود نمیبود وزیر دفاع حتی قادر بر حفظ ساختمان آن وزارتخانه و قصر ریاست جمهوری و ۰۰۰ نبوده و در روزهای اول جنگ و برخورد - نظامی بین نیروهای حزب اسلامی و شورای نظار در کابل، مراکز دولتی بدست مخالفین وی سقوط مینمود که برگزاری جلسات متعدد در هیران دو طرف و امضای توافقنامه بین طرفین در کیمر با دخالت مقامات پاکستانی مبنی بر اخراج افراد جنبش و بقول رهبر حزب اسلامی ملیشه ها و بقیای رژیم دولت کمونستی از کابل - استفاده مجدد از نیروهای ژنرال دوستم و اعلام حمایت از آنان توسط وزیر دفاع و ۰۰۰ بیانگر این واقعیت خواهد بود.

۲- تحکیم پایه های دولت آقای ربانی

از آنجائیکه پس از بقدرت رسیدن آقای ربانی هر روز در کیفیت ساختار دولتی وجود سائر رهبران و فرماندهان جهادی کم رنگ شده و بر تعداد مخالفان افزوده می شد و مستولان احزاب اسلامی چون، حکمتیار، صبغه الله مجددی، استاد مزاری، یونس خالص و مولوی - محمد نبی و ۰۰۰ طی مصاحبه های مفصل در رسانه های گروهی و خبری از وضعیت موجود کشور اعلام ناراضایتی کرده و خواستار شرکت همگانی در اداره کشور بودند آقای ربانی رئیس جمهور چهار ماهه (طبق فرمول غیر واقعی پیشاور) نسبت به انجام مذاکرات جهت حل مسایل و معضلات سیاسی و اجتماعی کشور و تقسیم قدرت از خود علاقه نشان نداده و سعی داشت از طریق زور، نیروهای جهادی احزاب مخالف (بقول وی افراد غیر مستول) را از شهر کابل بیرون نماید ۱۱۱ جنگهای متعدد بین نیروهای حزب اسلامی و جمعیت در چندین

مرحله از یکطرف و برخورد های خونین حزب اتحاد سیاف و جمعیت اسلامی با حزب اسلامی از طرف دیگر، احمد شاه مسعود وزیر دفاع را وار مینمود که در چنین شرایطی جهت تحکیم موقعیت متزلزل نظامی و سیاسی دولت آقای ربانی و حفظ مراکز دولتی از جمله وزارت دفاع و قصر ریاست جمهوری و ۰۰۰ برای خود متحد قوی نظامی پیدانماید، لذا حضور وسیع نیروهای جنبش ملی در قالب ارتش منظم و نیروهای مجهز و آشنا ب فنون جنگی سبب میشد که احمد شاه مسعود وزیر دفاع، از آنان در - راستای تثبیت و تحکیم دولت آقای ربانی استفاده کرده و بازو و بازوی نیروهای ژنرال دوستم، قدرت نظامی خویش را بتمسک مخالفان حکومت تبارز بدهد.

پایان

افغانستان در گذشته و حال

افغانستان را از بین برد علاوه بر مهاجرین دوره اشغال روس و کمونیست ها و ملیون ساکنین شهر کابل را آواره ساخت که در بدترین شرایط بسر میبرند، نتیجه این خود خواهی و قدرت طلبی گروههای درگیر جنگ و نتیجه دائمی ساختن ریاست جمهوری آقای ربانی و حکومت حزب جمعیت اسلامی، فنا و نابودی کامل افغانستان است، امروز در کابل علم و فرهنگ تخریب و تمدن از یاد مردم رفته است قصر و خانه طرف و فرش و اثاثیه زندگانی بر تحمل و دلکش رافروش کرده اند همه در فکر این است که چگونه زنده بمانند و چه وقت جنگ قطع میشود، این است وضع موجود در افغانستان.

برای همه مردم و احزاب روشن شده است که با جنگ معضله افغانستان حل نمیشود و جنگ های خونین دوساله ثابت کرد که هیچ گروه نمیتواند به تنهایی قدرت را در افغانستان بدست گیرد انقلاب اثر بخشیده است و مردم بیدار شده دیگر حرف اقلیت و اکثریت قومی اثر ندارد و هیچ قوم و ملت را نمیتوان نادیده گرفت و از حقوق شان محروم ساخت و با حذف کرد و هیچ گروه جهادی را نمی توان نادیده گرفت که همه مسلح و مجهزند

راه صلح و ثبات و آرامش تفاهم و هماهنگی است که با حق نیت بدو از طرفهای کشور های خارجی توسط خود گروههای جهادی و ملت های ساکن افغانستان با قبول داشتن یکدیگر و تحمل داشتن هم دیگر بدون نفی و حذف جمعی و یا گروهی و یا قومی و مردمی همه با هم دولت اسلامی را بر مبنای قرآن و سنت و مذاهب اسلامی شیعی و سنی تشکیل داده و از طریق انتخابات آزاد در معرض تأیید همه مردم قرار داده و حقوق سیاسی اجتماعی طبق شعاع وجودی روی امار نفوسی هر ملت محرز شود که حزب وحدت اسلامی خواهان همین است به امید آن روز.

پایان





گذری به بامیان باستان

مقاله ذیل از متن انگلیسی برگرفته شده که نوشته اصلی طویل و بسیار جزئیات بوده ولی برادر محترم سید ذوالمحد عالمشاهی آنرا بطور فشرده ترجمه و از آمریکا برای ما فرستاده است که متأسفانه اسامی منابع را بدون ترجمه به انگلیسی فرستاده که مامحیورا " از چاپ آن صرف نظر کردیم ."

اداره طلوع وحدت
افغانستان از بناهای باستانی بودایی انباشته است اما از نگاه کثرت و غنای بامیان سرآمد همه است ، بزرگترین مجسمه ها و زیاده ترین مغاره ها با شماره بیست هزار در همانجاست و نقاشی ها و دیواره ها و سقفها منقوش از نمونه های مشابه خود برتری دارد .
وادی بامیان در ۱۲۰ کیلومتری شمال غرب کابل و در ارتفاع ۲۸۳۲ متری بین کوه های هندوکش و بابا واقع است و اگر گامی گذرا از هندوکش میباید و مقصد باختر و وسعدیانه ، گذرگاه بامیان میشود (۱)
امواج فرهنگ های یونانی - باختری هخامنشی و فرهنگ های بدوی دیگر در اینجا درهم آمیخته و به فرهنگ هندی - بودایی هیات داد و ستاد داده ها مانده نگار شد .

هوان تسنگ سیاح راهب معروف چینی حدود سال ۶۳۰ پیش از میلاد به بامیان بوده و آنجا را - بین - نا نامیده است . (۲)

راهب کوریایی ، هوی - چاوهم مدتی در بامیان بوده و از آنجا بنام فان - بین یاد کرده است . (۳)

چارلز ماسون کاوشگر امکنه تاریخی افغانستان در سده نهم چندین بار به بامیان رفت و بام دنیا نامش داد . (۴)

به تفسیری بامیان از دو کلمه ، بام + میان (در میان تخته سنگ ها) مرکب شده (۵) و شاید هم مشتق از (بتیان) باشد و بت " فارسی " از " بودا " است . البته کشف معنای نام جایی بانداستن مدرک دشوار است .

شهرت جهانی بامیان از باباست دو مجسمه بزرگ است ، یکی با ارتفاع ۵۵ متر و دیگری ۳۵ متر هر دو مجسمه ایستاده و رویه جانب جنوب دارند (۶)

آرایش دیواره ها و طاقچه ها آنچنان زیباست که تا اکنون تحسین برمی انگیزد مغاره ها که از دورخانه زنبورماننده اند هم بزرگ و هم کوچک اند ، بعضی با ظرفیت صد هانفر و بعضی برای یک یا دو راهب اعمار شده اند .

این که چه کسی بامیان را مرکز راهب ها و بودایی قرار داده ناپیدا است و هم یافته های باستان شناسی بر تاریخ کهن آن روشنی انداز نیست ، تنها روایات راهب های چینی و کوریایی به عظمت گذشته آن اشارت دارد .

بامیان در جاده ابریشم است و راه پلخ به کاپسوا به کابل و به شرق و به هند از آن می گذشته است و شکل کاروان سرای بسیار بزرگ را داشته که بازرگانان و زائران بودایی مدتی در آن می مانده اند . (۷)

بامیان بهترین جای برای تمرکز حواس راهبان و تمرین های دیگرشان بوده است از این رودان مدتی می پائیدند (۸) تا سردی زمستان و اداریه ترک شان میکرد ، با گذر زمان راهب های ماندگار شدند و فرقه بودایی در آنجا مرکزیت یافت .

در هنگام دیدار هوان تسنگ از بامیان پادشاهی آنها از قبیله سکایا بوده و پادشاه خود از وی -

پذیرائی کرده و به او هدایا داده است . اشوکا فرمانروای بزرگ بودائی (۲۶۹-۲۳۲ پیش از میلاد) شخصی را بنام مهارا کیتامسوول تبلیغات سرزمین یونا ساحت ، یونا شامل مناطق مرکزی و شمال - غربی افغانستان میشود و یونانی ها از روزگار اسکندر مقدونی در آنجا مقیم بوده اند ، این گماشته اشوکا مردمان بسیار را به دین بودایی در آورد .

ان زمان که اسکندر مقدونی به افغانستان تاخت اثنین بودایی در این سرزمین کم و بیش نفوذ کرده بود ، اسکندر بعد از سیطره بر مرکز پارس در غرب و غارت دارائی ها و سوختاندن سمبولیک پرسپولیس روی به افغانستان نهاد و در سال ۳۳۰ پیش از میلاد از هندوکش عبور کرد ، شاید هنگامیکه اسکندر از بلخ به کاپیسا و کابل میرفته بوده از بامیان گذشته بوده باشد اما بناداشتن اهمیت استراتژیک آنجا علاوه بر آن نگرفته است ، اسکندر به مراکز مذهبی علاقمندی نداشت و بیشتر در اندیشه اشغال شهرها بود ، به این صورت بامیان دست ناخورده ماند و به سکوفایی ادامه داد .

در نیمه سده سوم پیش از میلاد ساسانی ها از اضحلال امپراطوری کوشان بهره بردند و بامیان را جز امپراطوری شان کردند پادشاه محلی بامیان با قبول قیمومیت ساسانی ها نیمه مستقل ماند و ساسانی های زرتشتی به اثنین بودایی آسیبی نرسانیدند .

زائر چینی فاهین که در سال ۴۳۰ پیش از میلاد از بامیان دیدار داشته (۹) و مدتی را در آنجا گذرانیده ، این مسئله را تأیید میکند و بامیان را سرزمین سردسیر و در میان تپه ها توصیف میکند که در آن بجز گندم غله ای دیگر به ثمر نرسیده و پادشاه همیشه از راهبان برای حاصلات طالب دعای شده است .

در هنگام این دیدار هنوز مجسمه های بزرگ بودا کنده نشده بوده اند و گفته است " نکرشان میرفت "

در ۶۴۱ میلادی ساسانی ها اعراب شکست می دهند و در ۷۰۰ میلادی از راه کندهاره به افغانستان داخل میشوند و املا حکمران های محلی با سرپرستی اعراب اجازه حکمرانی می یابند (۱۰)

شهریار بامیان پادشاه دوره المنصور عباسی (۷۵۵-۷۷۵) میلادی و پادشاه عصر المهدی عباسی (۷۷۵-۷۸۵) میلادی به اسلام گروید (۱۱) در سال ۸۶۹-۸۷۰ میلادی یعقوب بن لیث نقاشی ها و تزئینات را ویران کرد و سالهای بعد تا ویران و پیر بهار به بغداد انتقال داد (۱۲) در ۹۷۰ میلادی الپتگین پسر بامیان تاخت و در سال ۱۲۲۲ لشکر چنگیز خان به حراز مجسمه های بزرگ همه چیز را ویران کرد .

بت ها

بت کوچک ۳۵ متر بلندی دارد و هوان تسنگ آنرا سکایا می خواند و به تصویر بیت از فلز ساخته شده بوده و بعد پارچه های آن بهم وصل گشته بوده اند (۱۳) هوان تسنگ انچنان زیر تاثیر رنگ درخشان بت رفته بوده که تصور میکرد بت فلزی است شاید در وقت دیدار وی بران بت یا بت طلا کددام فلز دیگر کار شده بوده و رنگ آن فلزی می نموده است به روایت هوان تسنگ در دست راست این بت یک جام و در دست

دیگران گوشه های لباس وی قرار داشته است . مجسمه بزرگتر ۵۵ متر بلندی دارد - رنگ آن طلائی بوده اکنون چهره آن هموار و بینی و دست های آن مقطوع است ، تمام طاقچه های این رت از نقاشی ها پر بوده است که شاید سالها بعد از اعمار بت تصویر شده باشند . احتمال میرود که ده معاره دور دور پای بت در قرن هفتم میلادی کنده شده باشد (۱۴) چند تای از این معاره ها نقاشی دارند بعضی شان مستطیلی و بعضی شان هشت ضلعی اند .

بنظر فرقه بودایی بامیان ، بودا موجود برتر و فوق بشر و جاودانه بوده است و این باور و ادارشان کرده ثابت های عظیم بودا را بنا نهند .

هوان تسنگ از بت دیگری یاد میکند که ۱۰۰۰ پای (۲۳۲ متر) درازی داشته و در فاصله ۱۲ یا ۱۳ لی و یا ۲ لی شرق مرکز قرار داشته است (لی واحد طول چینی و معادل نیم کیلومتر است) مترجم

در سده های میانه مردم بت بزرگ را سرخ بت می خوانده اند که ناشی از رنگ شان بوده است (۱۵)

× × × ×
ده آهنگران :

در دره فولادی نزدیکی های کوه بابا و در جنوب غرب مجسمه های بزرگ ده بنام آهنگران است با مغاره های بسیار ، از این مغاره ها آنچه در پایان بوده ویران شده اما در قسمت های بالاتر هنوز مغاره های وجود دارد و دارای ابعاد و اشکال مختلف اند ، اینان یا مستطیلی یا مربع اند با ابعاد ۳۰ و ۳۰ متر و ۱۱ متر و طاقچه های شان بزرگ و کوچک اند کوچکترها طاق های نشیمن و بزرگترها برای جلسات و لیلیه بکار می آمده اند .

ککـرک :

در چهار کیلومتری جنوب شرق مجسمه های بودا دره تنگی بنام ککـرک موقعیت دارد ، در این جافزون بر صومعه ها مجسمه هم از بودا با ارتفاع ۷۴ متر است که چهره آن را - گذر زمان و خرابکاری های عمدی نابود کرده دست ها قطع شده و تنها آثار کج شال سرشانه بودایی است ، دیوارها پلاسترو آرایش بارنگ های آبی و نسواری مکشوف است ، نقاشی های گنبد ها کنده شد و نیمه به موزیم ملی دارلایمان در کابل و نیمه دیگر به موزیم گیومی پاریس سپرده شد . (۱۶)

ابعاد این مغاره ها پنج تا شش متر است اشکال شان مستطیلی ، دایروی و هشت ضلعی است ، در هر چند تا مغاره ، یک مغاره آن معبد بوده است و تصاویری در آن کشیده شده بوده است .

×× ×× ×× ××

مهندسی مغاره ها را بعضی ایرانی میگویند و بعضی آن را با هنر آسیای مرکزی و بیاتون هوانگ در چین و کوریا به مقایسه میگیرند اما مابه بومی بودن آن باور داریم . (۱۷)

گفتنی است که اساز هنری بامیان از - هنرمندی ، ایرانی ، یونانی ، مساویانه اثر پذیرفته و به این صورت هنر چندگانه و مرکبه چندین سبک است .

در نقاشی ها اثر هنر هندی دوره هنری گویتا و هم هنر آسیای مرکزی و هم اثر هنر کندهارا

مصاحبه اختصاصی با حاج عبدالحسین مقصودی عضو شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان



تصامیم ومواضع حزبی از روحیه رای دهنی ونظر دهنی برخوردار بوده وهیچ گاه اتفاق رخ نداده که بیانگر تضاد مواضع حزب وحدت اسلامی باشد ونیز بخاطر هماهنگی وتکامل بیشتر در امورات حزبی شورای عالی نظارت وشورای مرکزی از داخل هزاره حات بکابل انتقال داده شد تارویدادهاوقضایار از نزدیک تحت نظر داشته باشند وتصامیم لازم را اتخاذ بداند بنابراین در دوران تدویر مجالس وتصمیم گیری شورای مرکزی اختلاف نظر هائی بوجود می آید که بابحث وموشکافی دقیق حل میشود وهنر مسئله راکه اکثریت به تصویب رسانداقلیت نیز به آن متفق شده وموضع واحدی اعلان میگردد، البته اختلاف نظر سالم وجود دارد که همین خود مایه تکامل میباشد والحمد لله باکمال اطمینان خدمت شما عرض میدارم که هیچ نوع اختلاف منفی وجود ندارد، انانیکه درباره این اختلافات سالم تبصره های منفی مینمایند حتما " نظرشان درباره مردم ما حسنیست ندارد."

س: از اینکه باتوجه بوصیعت موجود امکان برقراری يك دولت باثبات وجود ندارد وحزب وحدت اسلامی فعلا " مناطق وسیعی را در هزاره حات وغرب کابل تحت کنترل دارد لذا در مورد بازسازی وامور آموزشی چه پلان وپروگرامی مطرح است؟

ج: حزب وحدت اسلامی آنطوریکه در ابعاد نظامی وسیاسی کشور حضور فعال دارد، خوشبختانه که برنامه های وسیعی وبنیادی دیگر را نیز بیاکمال دقت دنبال میکند بطور مثال کمیته فرهنگی، اتحادیه تعاونی شوراها ی مساجد، کمیسیون بازسازی در غرب کابل فعالیت داشته وتاکنون دهها مکتب ترمیم وشاگردان مصروف تحصیل شان هستند وهمچنین از طریق امتحان کانکور ۷۵ شاگرد به اذربایجان و ۷۸ شاگرد به جمهوری اسلامی ایران اعزام گردید وبر علاوه کورسهای سواد آموزی بزرگ سالان نیز از طریق شعبه تعلیم وتربیه فعال گردیده ویک عده از خواهران ومداران جهت تدریس وتعلیم سهم فعال دارند وهمچنین ناگفته نماند که رسیدگی به امور معلولین، بازماندگان شهداوانانیکه در جریان جنگها آسیب وخسارت دیده اند در راس فعالیت های اجتماعی حزب وحدت اسلامی قرار دارد.

از همه مهمتر نقشه ویدی این مدرسه خاتم الانبیاء که در حدود چهل حریب زمین در منطقه مہتاب قلعه کابل بان اختصاص داده شده است تکمیل شده ورسما " باحضور داشت نمایندگان حکومت ودولت وتنظیم های جهادی وجمعیت کشیری از فرزندان توحید افتتاح وکار تعمیراتی آن آغاز گردید وایمن مدرسه گنجایش چهار هزار محصل دینی، مسجد به ظرفیت ده هزار نمازگذار، يك شفاخانه مجهز هزار بستریك مارکیت ویک حمام عصری را دارد.

وهمچنین در امور صحتی يك شفاخانه ۵۰ بستر در کارته سه فعال وشفاخانه زنانه (زایشگاه) نیز در کارته سه عنقریب به فعالیت خود آغاز خواهد کرد وهر روز از طریق کلینیک کمیته صحتی توسط دوکتوران مجرب ولایق سیمد الی چهار صد مریض معاینه وتداوی میگردد.

در مورد سایر امورات اجتماعی- اقتصادی مردم

ج: بعد از اینکه قرارداد آتش بس به امضای رسید (۵۰) نفر از افراد غیر نظامی که در اسارت اتحاد اسلامی بودند آزاد شدند وفعلا در حدود ۲۵۰ الی ۳۰۰ نفر تا هنوز در اسارت اتحاد اسلامی وجمعیت اسلامی قرار دارند که در ارتباط رهائی آنان ورد پای سایر اسرا نیز تلاش ومذاکره ادامه دارد.

س: در جریان دوماه درگیری شورای عالی هماهنگی باشورای نظار گفته میشود تعداد کثیری از مردم شرق کابل به کابل غربی تحت کنترل حزب وحدت اسلامی پناه برده لطفابفرمائید تعداد آنهاچه اندازه است؟ واز کدام ملیت میباشد؟ وهمچنین حزب وحدت اسلامی یا آنهاچه کمک نموده وبکجاها اسکان داده شده؟

ج: در جنگ های اخیر که بین شورای هماهنگی وجمعیت اسلامی ومتحدینش صورت گرفت بیش از بیست هزار نفر افراد غیر نظامی از اقوام پشتون، تاجیک وغیره در غرب کابل که ساحه تحت کنترل حزب وحدت اسلامی میباشد پناهنده شده اند که تعدادی از آنها در منازل اقارب ومنازل کرائی ساکن شده اند واكثر آنها در مہمان خانه های حزب وحدت ۰۰۱ وتکایا ومساجد وسایر جاهای مناسب جایجا شده واز طرف حزب وحدت اسلامی اعاشیه گردیده وهمچنین در قسمت حفظ امنیت آنها تدابیر لازم اتخاذ شده است.

س: حاج آقای مقصودی- حزب وحدت اسلامی خواهان استعفای آقای ربانی واقای حکمتیار است نیاز مینه ایجاد يك دولت موقت که همه انرا قبول داشته باشد بوجود آید که نسبت به این خواست شورای عالی هماهنگی همسواست، پس چرا برای سقوط دولت ربانی حزب وحدت وارد جنگ نگردید؟

ج: شما خودتان بهتر میدانید که حزب وحدت اسلامی جنگ راه حل مشکلات ومعضلات افغانستان نمیداند، بنابراین همواره تلاش دارد تا از راه ها وطرق منطقی ومبارزات سالم سیاسی راه حل پیدا نماید بر اثر این موقف بود که حزب وحدت اسلامی درباره استعفای آقای ربانی وارد جنگ نشده واز راه های غیر از جنگ همنواشی خود را با شورای هماهنگی استوار نگه داشته وخوهران استعفای آقایان حکمتیار وربانی میباشد.

س: گفته میشود جنگ های کابل در سمت شمال گسترش یافته درین رابطه اگر گفتنی داشته باشید یاد آندیشه

ج: عمدتا " عموم مردم افغانستان مسلح میباشدند وبه شکل گروه های مختلفی با گرایشهای متفاوت در آمده اند که همین تفاوت گرایشها باعث درگیری های نظامی گردیده وضمن " اوضاع کابل نیز تاثیر مستقیم خودش را دارد، بنابراین همین درگیری های کوچک نظامی چون هیچ مقام وجود ندارد که کنترل نماید منجر به جنگ های وسیع شده وبه نظر من این جنگ نه تنها در کابل وسمت شمال خلاصه نخواهد شد بلکه اگر اوضاع به این شکل ادامه یابد ساثر ولایات افغانستان را که مشتمل بر احزاب مخالف نظامی باشند نیز در کام خود فرو خواهد برد.

س: بعضی عناصر آگاهانه وناآگاهانه تبلیغ مینمایند که در سطح شورای مرکزی حزب وحدت اختلافاتی وجود دارد، آیا این تبلیغات حقیقت دارد؟

ج: این امر پوشیده نیست که حزب وحدت اسلامی در درون تشکلات خود واتخاذ

حنا آقای مقصودی، باتشکر از اینکه وقت گرانبهای خود را در اختیار خوانندگان حریصه طلوع وحدت قرار دادید، بعنوان سؤال اول- از اینکه جناب عالی بتازگی از شهر خونین کابل تشریف آورده اید، بفرمائید که وضع عمومی در کابل بیچه صورت است؟

ج- بسم الله الرحمن الرحيم، منہم بنوبه خود از اداره فرهنگی حزب وحدت اسلامی افغانستان در کوپته تشکر میکنم واز اینکه همواره در تلاش هستند تا تازه ترین رویدادها وگزارشات را در خارج از کشور رادرا اختیار مردم ماقرار بدهند، واقعا " مایه امیدواری بوده واز خداوند میخواهم تا در ادای وظایف ورسالت های عظیم فرهنگی وتاریخی ایشان را بیش از پیش توفیق عطا فرماید انساله وامادر جواب سؤال شما عرض کنم که بعد از پیروزی محاهدین وشکست رژیم نجیب انطوریکه مردم افغانستان از زودداشتند وجهان انتظار داشت عملی وپیاده نشده ومتا سفانیه که قضایا کمالا " برعکس انتظار مردم افغانستان وجهان ظاهر گردیده وبه اشکال مختلف جنگها وویرانی های بیشتر وتازه ای براوضاع متشنج افغانستان خصوصا " شهر کابل تحمیل گردید شمره ۴۰۰۰۰ هشتاد وصد ویرانی مناطق مسکونی وادارات دولتی وخصوصی بوده وهمچنین صدها هزار از ساکنین شهر کابل مجبور به ترک منازل- شان شده وچرخ حکومت ودستگاه های دولتی کمالا " فلج وغیر فعال گردیده است وفعلا " هم مردم شهر کابل از این وضعیت کاملا " نگران ومضطرب بوده ویا یک آینده مبہم وپراز ناامیدی بسر میبرند.

س- قرار اطلاع شما از طرف حزب وحدت اسلامی عضو کمیسیون صلح فیما بین حزب وحدت واتحاد اسلامی وجمعیت اسلامی باشید، آیا درین رابطه تا حال پیشرفت هائی صورت پذیرفته؟

ج- چندین باریکه علیه حزب وحدت اسلامی جنگ هائی به راه انداخته میشدند آتش بس های موقت نیز مورد اجرا قرار میگرفت که این آتش بس ها عموما " پایدار نبوده واز طرف تحمیل گران جنگ علیه حزب وحدت اسلامی نقص میشد اما بعد از برج عقب سال ۱۳۷۲ میان چهار حزب، اتحاد اسلامی جمعیت اسلامی، حرکت اسلامی ووحودت اسلامی توافق نامه ای مبنی بر ایجاد آتش بس تحکیم آتش بس، تبادل اسرا ونظارت بر آتش بس به امضا رسید و تا حالا مواد این توافق نامه به استثنای دویار از طرف اتحاد اسلامی دیگر از هیچ طرف نقص نشده و ۹۹٪ از شدت جنگ علیه حزب وحدت اسلامی کاسته شده است.

س- همانطوریکه میدانیم در دوران جنگ های تحمیلی اتحاد اسلامی وشورای نظار تعدادی از مردم غیر نظامی مارابه اسارت برده بودند ایاتاکنون آنها آزاد شده اند، اگر آزاد شده چه تعداد، ایاتا حال کسی به اسارت آنها باقی مانده؟



خوانندگان گرامی ۱

همه وقته در تلاش بودیم تا آثار نوشته جات قدیمی و نایاب را بدست بیاوریم و به امید اینکه از گذشته های بیاوریم دست چاپ بسیاریم ، که متأسفانه دست ماکوتاه ولی بعضی نشریات دیگر بابت درازین کار راکرده اندکه دست شان درنگند، اخیراً " متوجه شدیم که کتاب نفیس و کوچکی بنام (نگاهی به دیروز و امروز افغانستان) اثر شادروان مرحوم محمد حسین طالب قندهاری دانشمند شهروطن را در اختیار داریم ، لذا تصمیم گرفتیم ازین به بعد قسمت وارانرا چاپ نمایم که اینک قسمت اول از نظر تان میگذرد .

اداره طلوع وحدت

زمزمه های خاکه شینان خرابات

دنبال دل فتاده بهر خانه میروم

دیوانه ام که در پی دیوانه میروم خدا را شکر رفیق دیوانه دارم که در عالم آوارگی گاه گاه یاد و شادم میسازد ، اطلاع یافته بود که یک آقای افغانی از پاکستان آمده و آواره کان افغانی مقیم این نواحی را برای شنیدن خبر های تازه دعوت کرده او هم آمده و بصورت حدی گفت : هی بابا ۱ تا کی انزوا چه عیب دارد ، هم برویم ببینیم بشنویم چه خبر هائی است ؟

یا الله ، بسم الله گفته روان شدیم کنار چاده در جوار زیارتی جمعیتی قریب پنجاه یاشصت نفر از افغان های زحمت کش به انتظار آقای دعوت کننده زیر آسمان بروی زمین بی فرش نشسته بودند گفت ببین : (کوچه خاک نشینان خرابات است این)

چند دقیقه بعد آورنده ، خبر های تازه باد و نفر دیگر بروی حاده از تاکسی پیاده شده به جمعیت پیوستند و بعد تعارفات بسی ساخته ، صمیمانه ، افغانی در حین سخنرانی اولاً " از شماره ۱۵ سال سوم مورخه ۱۵ ار ۶۰ - جریده ، راه حق ارگان نشراتی حزب اسلامی افغانستان در تهران که زیر عنوان (تحدید بیعت بانظام مرده) انتقاد نموده بود انرا تکرار و تائید نموده گفت : واصفی قندهاری وهم قطاران او ظاهر خان سپادشاه کهنه افغانستان و سردار ولی داماد او را شخصیت اول و دوم انقلاب امروزی افغانستان نامیده وان دوسردار نام دار هم زحمت رهبری ملت را برای نجات افغانستان از تجاوز شوروی قبول کرده اند .

سپس شماره ۱۰ اول جریده (خپلواکی) مورخه ۱۱ ار ۱۲۶۰ ارگان نشراتی اتحاد اسلامی و ملی افغانستان که عکس ظاهر خان در صفحه اول ان خود نمائی میکرد دوزیر ان بخط حلی نوشته شده بود :
المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه قائد ملت مجاهد مسلمان افغان ، بمولود وحدت ملی که در دوره ، سلطنت شان افغانستان گام های مثبت بسوی یک حیات مرفه برداشت ، نشان داده شده ،

داغ دیده ها وستم رسیده های افغانی که هریک عقده ها و ارمان های بدل داشتند آماده ناله سر دادن (اظهار نظر ها) شدند .

۱- جوانی که خود را دانشگهی و از قوم و تبار ظاهر خان معرفی نمود بعد گرفتار اجازة از رفقا گفت :

من فکر میکنم ظاهر خان که عقل نداشت ، شعور خود را هم باخته زیرا مکرر شنیده شده او خودش پادشاهی افغانستان را بایک نیرنگ ماده رندانه (پادشاهانه) برای دود شوهر خواهر خود

تحويل داد ، و داود خان هم نه تنها اهل و عیال او بلکه رفیقه های او را هم برایش به ایتالیا فرستاد و این هم از زبان صدیق خان که زمانی والی هرات بود در حال نشه ، مستی شنیده شده که ظاهر خان در ایتالیا بایک ویلای بزرگ و زیبا را در کنار مدیترانه بچند هزار میلیون دالسر بوسیله دکتر یوسف که زمانی وزیر معادن و بازرگانه و بازرگانه و بازرگانه در آلمان بود خریده و . . .

۲- اقائی از بارکزائی های هلمند و رفیق جوان دانشگاهی با هیجان نگذاشت اولی آنچه بدل دارد تا انا خبر بگوید گفت : ظاهر خان چهل سال مخذایر زیر زمینی از قبیل لعل ، لا حورد ، یا قوت بیروج (زمرد) و الماس افغانستان را بوسیله همان داکتر یوسف رزی معادن برای خود ذخیره کرد و داکتر یوسف بنابه همین خدمت مخصوص بشاه ، صدراعظم شد و گر نه هم او هم داود خان هیچگونه شخصیت و لیاقت نداشتند فقط مانند حیوان دنباله رورمه در سایه چوپان (شبان) خود هار ابر بزرگ شمرده بودند لفظاً ظاهر خان چوپان یعنی این بدرقه کاروان - دزد زده از صمیم دل هرگز به آمدن افغانستان - راضی نیست و اگر بگفته های چاپلوس ها و کاسه لیس های سابقه خود سری می جنبانند می خواهد در تاریخ افغانستان کمتر مورد سرزنش واقع شود .

۳- یک ملای ریش سفید گفت : ظاهر خان در دوره ، چهل سال پادشاهی و جوانی خود به دروغ های شاد خادروم دار ما را فریب داد ، اما امروز همچنانکه برای او روز قریب دادن نیست برای ما هم روز قریب خوردن نیست ، ظاهر خان اگر وجدان داشته باشد قناعت دارد که مردم در اتش افتاده افغانستان این همه سختی و بد بختی را از نامردی و نادانی او دانسته و می دانند و این راهم باید بداند که از کاسه لیس های بی وجدان و بی ایمان او دیگر گزاری ساخته نیست ، داود خان ، تره کی خان ، امین خان ، ببرک خان بلا شک ملامت اند ، اما شعر شاعر چه معنی شود که گفته :

نه سگ دامن کاروانی در یسد

که دهقان نادان که سگ پرورید آید داود خان و تره کی خان و امثال آنها را کدام مغرض مفسد پرورش داد ؟

۴- جوانی تعلیم یافته بیسه حری کابل بسا بر افروختگی خاصی گفت : سردار ولی شرم ندارد ؟ این نامبرد پسر نامرد در زمان کودتای ساختگی داود ، قوماندان عمومی (فرمانده عمومی) قوای مرکز و در کابل بود ، اگر کودتای - مرموز داود خان ساخته گاری نبود ، این فرماند قوای نظامی مرکز چرا از داود خان بدون مقابله شکست خورد ؟ چرا تسلیم شد ؟ چرا از جعبه های میز کار او در تپه ، تاج بیک فوتو های خانم های خوش گل و دختران قشنگ دامن کوتاه بدست کودتاچیان افتاد ؟

موسی شفیق صدراعظم ملازاده ، خان محمد وزیر دفاع حلاذ کشتار قندهار کجا بودند ؟

ضرب المثل معروف وطنی است کسه : (خرکه از خرباز ماند گوش او باید بریسد)

همان ملای ریش سفید نفر ۳ گفت : اگر در بین ده تابیست میلیون نفوس مسلمان افغانستان غیر از ظاهر خان یک نفر هم کسه لیاقت ریاست جمهوری اسلامی افغانستان را داشته باشد پیدا نشود و ای صدوای هزار ها و هزار ها و ای بحال ماملت ۱

۵- جوانی از پشتونهای جنوب غزنی بخنده گفت : ما کوچی های مالدار اگر سگ رمه - مالاز گرگ بگیرد او را زنده نمیگذاریم ، ظاهر خان

و منسوبین او اگر غیرت دارند بهتر است انتخار خود کشی کنند .
۶- مردی از ازبک های اندخوی گفت : یاد (؟) پیر مرد پروانی بخیر که هر جاسخی از ظاهر خان بمیان می آید می گوید : این نامرد (ظاهر خان) ما را پیش برادران ایرانی ما خجالت داد ، اگر کسی بپرسد چه خجالت ؟ چطور ؟ میگوید - شاه ایران که از تخت و بخت افتاد انقدر ننگ داشت که از غم و غصه مرگ شد اما ظاهر خان هم تاج و تخت را باخت و هم مردم افغانستان را در اتش انداخت ، هنوز هم از بی ننگی و بی غیرتی زنده مانده .

۷- یک جوان منوره راتی که دست های پیش از خشت ریزی و خشت پزی پر ابله بود گفت : ابابا ۱ چرا ظاهر خان را ملامت میکنید ؟ شما تاریخ افغانستان را بخوانید ، این محمد زائی های پشتون از ابتدا تا انتها برای مردم افغانستان غیر از زررسانی و نفاق افگنی و برادر کشی دیگر چه هدیه آورده اند ؟ غیر از دولت مستعجل مرحوم امان الله (ساده جوان) دیگران از امیر کبیر دوست محمد خان گرفته تا نادر خان برای پادشاهی افغانستان در راه چاکری انگلیس ایاد رذالت و خیانت به ملک و ملت افغانستان با هم مسابقه نمیدادند ؟

ایاسید جمال الدین افغانی را مجبور به خروج از افغانستان نساختند ؟ ناشرین و نویسندگان جریده ، خپلواکی که بصورت ناخود آگاه چندین سال به اشاره ، ظاهر خان هر شب ترانه - پشتونستان را در رادیو کابل میخواندند و بجان پاکستان غرمی زدند و حالا از کمال بی شرمی و بی ننگی در همان پاکستان برای خوردن دال و چپاتی پناه برده اند ، باید بدانند که ظاهر خان هم اکنون از اداره افغانستان عاجز است .

واصفی ها اگر مسلک میداشتند در صورتی که مقرب و معتمد و مرید داود خان بودند و داود خان هم ظاهران " ظاهر خان و شورای ملی او را شیطان و شیاد میخواند حالا چطور بر خلاف گفته مرشد و پیشوای خود همان ظاهر خان شیاد را قابل پادشاهی میداند ؟ تا کی مردم مسلمان و شریف افغانستان فریب این شیادان و شیاطین را بخورند ؟

۸- مردی که ظاهر مو ، قرومتینی داشت اینحانب را مخاطب ساخته و گفت تو چرا هیچ نمیگویی ؟ آیا گفته های این برادران را تا ناید مینمائی یا تردید ؟ گفتن شما بفرمائید کدام یک از این برادران در گفته های شما اشتباه کرده ؟

بخنده گفت : یعنی خدانکرده هنوز از ظاهر خان میترسی ؟ (خنده جمعیت) .

۹- پیر مردی از غور یا بادغیس گفت : شوخی موقوف باید از حقیقت نگذریم که همه هم از ظاهر خان می ترسیدیم وهم حالا از مزدوران - کرملین میترسیم ، بد بختی ما از جانی است که بفکر چاره نبودیم که این چنین بیچاره و آواره - شدیم ، بدیهی است اگر هنوز هم بی فکری بی خیال باشیم ، بیچاره تر خواهیم شد ، لهذا با همه ملامتی های ظاهر خان و داود خان و تره کی خان و ببرک خان ما هم مسئولیت ها و ملامتی های داشته و داریم ، بزرگترین گناه و اشتباه ما این است که نه تنهاسنی باشیعه یا شیعه یا سنی ، بلکه سنی با سنی و شیعه با شیعه هم یکدل و متفق و متحد نبوده ایم ، جوان هراتی نفر ۷ گفت :

هرگز مگو که مردم ما متفق نیستند

داریم اتفاق ولی در نفاق هم ۱۰- مردی از میدان کابل بتائید گفته غوری یا بادغیسی گفت : حتی نفاق و عدم اتحاد امروزی - ما هم نتیجه و شمره ، سیاست منحوس تفرقه افگنی طولانی شاهان درانی است .

اقای مو ، قرومتین نفر ۸ که میگفت از نواحی کابل است گفت : بدن شوخی بصورت راستی و جدی هر چه درباره ظاهر خان گفته شود بیجا و بی مورد نیست ، خود ظاهر خان هم اگر سرب



سخنرانی استاد مزاری بقیه:

وتعدادی این مسئله را قبول ندارد، دروغ می گویند شما این مسئله را قبول نکنید، اگر کسی هم بیاورد اینجا بگوید که نه ما فشار رانمی خواهیم یک تعدادی می خواهد سازش بکنند و اینهم دروغ است، این تصمیم حزب وحدت است و تصمیم شورای مرکزی است و یک توافق نامه از قبل است و این را ما میگیریم هیچ مشکلی هم در آن نمی بینیم در اینجا کمسیون که در توافق نامه اولی ما این مسئله درج شده در این جگه افشار بر کرد مردم جبران خسارات شود در ۸ ماده افشار و چند اول این مسئله را داریم ولی کمسیون (۳) نفره را که فرستادند بر گزیده شورای مرکزی (۱۵) نفر که بودند این ها توافق نامه را که امضا کردند انجام شخص شده که افشار تخلیه شود و راهیکه بین سیلو و افشار است مشترک گرفته شود، علوم تخلیه شود و مراکز نظامی ای که قبل از جنگ افشار در دست مجاهدین حزب وحدت بوده تخلیه شود، این مسئله که توافق شده این توافق نامه راهیمن (۱۵) نفر تأیید کرده به شورای ابلاغ شد، ما این را عملش را ما خواهیم و انفاق اول داده که این مسئله را عمل بکنند، من عین این مسئله را با برادران افشار در مسجدها می شناسم صاحبی که در آنجا کلمه زیاد و نه یک کلمه کم توافق نامه را با شما گفتیم و گفته که نظر حزب وحدت این است که ما افشار را می گیریم که توافق نامه ما است و شما مردم هم باید موافق تان را روشن کنید که در افشار بر میگردید در خانه تان یا بر نمی گردید؟ برادران نشستند در افشار ۱۵ نفر را نمایندند تعیین کردند ۱۵ نفر قطعنامه را آوردند بماندند گفتند که ما موافق هستیم و بر میگردیم، این قضیه است که درباره افشار از این بعدش طی شده و گفته شده هر کس اگر کم و زیاد میکند او را شما نباید و هیچ تشویش هم در این جاند داشته باشید ما اینجا برای شما اطمینان میدهم که بحول و کمک الهی و بازوان پرتوان مجاهدین شما بر گردید در افشار و ما از شما دفاع میکنیم و هیچ کاری نمی تواند کنش با شما بکنند (تکبیر حضار) و این تعداد نفر شما هم که در آن جارفته از تشویش نداشتند باشید، ما این راهم برای شما اطمینان میدهم که به هیچ وجه انشالله اول در افشار جنگ پیش نمی آید و اگر جنگ پیش بیاید نیروهای شما و فرزندان شما قهرمانانه دفاع میکنند ۰۰۰ در اینجا فشرده فهرست جنگ گذشته را برای شما میگویم که شما مطمئن باشید برای اینکه ولو ۱۵۰ نفر شما اضافه هم نشود بچه های شما انجا در خطر نیست، این درباره افشار برای مردم ما قداست مذهبی دارد، قداست تاریخی دارد و قداست ملی دارد، خواست شان است جای شان است و این قاجعه را هم کسی فراموش نمی کند کسی هم نگفته که افشار مصالحت نیست که از افشار صحبت بکنیم ما با همه تنظیم ها سر جنگ نداریم، مادر این جنگ اخیر برای دنیا و برای مردم افغانستان اثبات کردیم که طرفدار جنگ نیستیم و این مسئله را اثبات کردیم که ۱۲ جنگ شما و شما تحمیل شده این در پیش خارجی ها هم روشن است پیش شما هم روشن است، پیش مردم کابل هم روشن است که اگر حزب وحدت میخواست انتقام بگیرد و میخواست درینجا وارد جنگ شود مسلماً در این جاسیاف و ربانی دیگر در کابل نبود (تکبیر حضار) و این یک چیز روشن است و ما خواستیم که اثبات بکنیم که ما طرفدار جنگ نیستیم و جنگ را راه حل نمی بینیم حتی دشمنان ما هم این مسئله را باید اعتراف بکنند که بلی چون در یک سال گذشته یا ۲۰ ماه گذشته تبلیغ شده که جنگ طلب حزب

وحدت است از همه نوع تضاد ها برای نابودی شما کار گرفتند، مسئله هزاره را مطرح کردند مسئله شیعه و سنی را مطرح کردند، مسئله اینکه شما با بیگانه وابسته هستید خارج از مرزهای افغانستان مطرح کردند، در خبرنگار ما کشیدند، در روزنامه ها هم کشیدند در رادیو ها گفتند ۰۰۰ هم کردند ولی شما این صبر و تحمل تان روی منافع علیای مملکت اثبات کردید در دنیا و افغانستان که طرفدار جنگ نیستید، این افتخار بزرگ است برای شما داستانی را که می خواهم برای این مسئله خدمت شما بیان کنم بعد از سقوط افشار یک خبرنگار آمد از انگلستان محله دار در آنجا، چون انگلیس هایک وقت در دنیا تسلط داشتند از نگاه سیاسی و انهم همان روش را عمل میکنند که برای ملیت ها و برای هر مذهب خصوصیاتش را دنبال میکنند، در نشریات خود منعکس می کنند و برای این مسئله آمده بود که چطور شما در افشار شکست خوردید، من یک نشریه دارم در انگلستان محله است مخصوص حوادث شیعه ها را در دنیا منعکس میکند، چون یک هفته بعد از سقوط افشار بود قضایا امروز برای ما روشن نبود این قدر میدانستم که در افشار یک سری جنگیدند و فرار کرده، تخلیه کرده و معامله را نمیدانستم، گفت من در (۱۰) ماه گذشته حوادث افغانستان شمارا دنبال میکردم در این ۶ تا جنگ که سر شما تحمیل شده بود همه این جزئیات را من منعکس کردم و من بلد هستم فقط در این ۹-۱۰ ماه در افغانستان نیامدم ولی وقتیکه شنیدم شما این جاشکست خوردید آدمم که علت این را بدانم، این مصاحبه در خانه حاج آقای فدائی بود، امروز مادر مدرسه بودم حضرت آقای ابهت الله فاضل هم بود و بزرگان برای مصاحبه اینها در منزل می آمدیم من برای این جواب مانده بودم که روشن برایش چه جواب بگویم یعنی یک سری جزئیاتی را که حتی ما بلد نبودیم، یک خبرنگار جزئیات جنگ های گذشته را با ما باز گو کرد که کجا علیه شما می جنگید و چه رقم می جنگید و شما شکست نخوردید و برای من تعجب آورد بود، برای این مسئله که این جاشکست خوردید از انگلستان خواستم بیایم شما از شما این مسئله را علتش را باز خواست بکنم، من برایش گفتم که این مسئله را من برای دو ماه بعد جواب میگویم از حالا معذرت میخواهم، دلیل هنوز برای من روشن نشده، دو هفته بعد جواب میدهم، خوب بعد از اینکه این مسئله روشن شد و این معامله فتح دارا مان پیش آمد بعد از فتح دارا مان همین خبرنگار دوباره آمد و گفت من دنبال سؤال اولی خود آمدم من بعد قضیه را گفتم که اینطور ۴ تا قوم تان ما را خریدند و اینقدر پول داده بود و ما اینها را دستگیر کردیم، علت در این جابود و بعد جنگ دارا مان را برایش شرح دادم که ما جقدر نفر گذاشته بودیم برای عمل کردن در دارا مان و این ها جقدر اعاشه خورده است و جقدر نیرو موجود بود و در ظرف ۷ ساعت دارا مان تصفیه شد، بعد قانع شد و برگشت، حالا ما برای شما فشرده این مسئله را می گویم که در افشار آن معامله بود، در چپک سازی معامله صورت گرفت ۱۲ روز که جنگ شد خود طرف اعتراف کرده که ۲۰ هزار مری ثقیله ما بکار بردیم به اینها زدیم ولی ۵ پسته، بعد از دست رفت ۳۰۰ لگ معامله شده بود و در سر که چهار سیلو ۳۰۰ لگ معامله شده بود ۱۰۰ لگ گرفته بود این نفر را ما دستگیر کردیم اعتراف دارد و هست، لهذا از این جهت بشما باتکیه بر خدا و تکیه بر بازوان مجاهد مردان شما اطمینان میدهم که همین ۱۵۰ نفر هم که در افشار باشد هیچ خطری متوجه شان نمیشود (تکبیر حضار) این در این مسئله و من این چیزها را اطمینان پیدا کردم الان شما مردم هوشیاری تان، درک تان این

مسئله را پارسال هم گفته بودم برخلاف باور دیگران که تعبیر دارند که مردم ماعت مانده است از نگاه سیاسی پائین است، از نگاه فرهنگی من این باور را ندارم من میگویم مردم ما بحمد الله و در ۱۴ سال انقلاب بسیار از نگاه هوش سیاسی و درک اجتماعی بالا رفته حتی از ما مسئولین جلوتر رفته این را پارسال گفتیم روی این مسئله معتقد هستیم و من با احساس شما با همبستگی شما، با هشیاری شما مطمئن هستم برای اینکه انشالله که سر مردم ما مسئله معامله نمیتواند مطمئن باشید. اگر معامله هم صورت بگیرد بحمد الله افشامی شود. جلوش گرفته میشود، از این جهت باشعور شما، با درایت شما، با حساسیت شما مطمئن هستم (تکبیر حضار) اما مسئله افشار من معتقد هستم که اگر ما بیائیم با جمعیت اسلامی جنگ هم نکنیم و دوست هم باشیم هیچ منافات ندارد که ما از مسئله افشار و فحایع افشار صحبت بکنیم و هیچ مخالفتی با این مسئله نداریم، صحبت کردن قضایای تاریخی و صحبت کردن درد یک مردم مظلومیت یک مردم ظلمی که شده معنایش جنگ نیست حالا اگر بنا شود این را معنی اش را جنگ بدانیم پس در تاریخ گذشته افغانستان صحبت باید نکنیم از مظلومیت های مردم خود هیچ چیز نباید بگویم در صورتیکه ما مظلوم و محکوم در این جامعه بودیم و تا حالا هستیم این در رابطه با مسئله افشار است، در رابطه با مسئله فعلی کشور وضعیت فعلی کشور شما میدانید که نا معلوم است، این مسئله را من برای شما در بین مردم ما مطرح شده جامعه ما را از نگاه نظامی و تشکیلاتی دوقطبی کرده و در اینجا فکری بوجود آمده که بین حزب اسلامی و جمعیت اسلامی مادر کنار کی باشیم خوب است، طرفداری یکی از جمعیت بکنند یکی از حزب حتی نسبت داده شده این مسئله در بین مردم برای مسئولین حزب وحدت این باور، باور غلطی است شما را هم اگر کسی می آید اینجا القا میکند این مسئله را قبول نکنید این را دوستان شما القا نمیکنند، برای همراه کردن و انحراف فکریست هر مردم، هر ملت و هر تنظیم سیاسی باید روی مسئله خودش و مردمش فکر بکنند برای کسی دیگر فکر کردن غلط است ما با همه تنظیم ها سر جنگ نداریم دوست هستیم، با همه ملت ها سر دشمنی نداریم و دوست هستیم و وحدت ملی را ما در افغانستان یک اصل میدانیم، اگر دانسته و ندانسته برای مردم ما این مسئله را کسی مطرح بکند این مردم ما ملت است برای مردم ما عزت نیست معنی اش اینست که ما توانایی زندگی و حقوق و دفاع از حقوق خودمان نداشته باشیم چرا این مسئله را مانگویم که دیگران در کنار ما باشند، خوب است که ما بیائیم در بین مردم القا بکنیم که مادر کنار کی باشیم خوب است این مسئله، مسئله فکری انحرافی است هر کس بیاید در این جا بگوید تعدادی از حزب اسلامی دفاع بکند و تعدادی از جمعیت برای مردم ما قاجعه است ما اینها را بعنوان خائنین ملی می شناسیم، مردم مایک مردم سر فرازیست که با برادری با همه ملیت ها می خواهیم زندگی بکنیم با برادری زندگی بکنند این افغان باشد، تاجیک باشد، ازبک باشد، همه برادرند حقوق مساوی می خواهیم، چرا ما سر پای خود مان این فکر را نکنیم و روی خود ما فکر کنیم، این فکر غلطیست و هر کس القا بکند نادرست است (تکبیر حضار) ما روی بازوان پرتوان شما مردم فکر میکنیم حق هم اگر می خواهیم برای شما می خواهیم، این حق خواستن بمعنی دشمنی با حزب اسلامی و جمعیت اسلامی نیست، ما معتقد هستیم در اینجا مسئله افغانستان وقتی حل میشود که مردم واحزاب همدیگر را تحمل بکنند در صدد حذف یکدیگر نباشند چه از نگاه اقوام چه از نگاه احزاب، چه از نگاه مذاهب، روش حزب

وحدت اینست که ۰۰۰ راه حمل برای افغانستان تفاهم است نه حذف یکدیگر لهذا هرکسی که می آید در اینجا برای حذف یک ملت و برای حذف یک تنظیم فعالیت میکند سخت اشتباه میکند ۲۰ ماه گذشته اثبات کرده که توانائی حذف کسی را ندارد، ما این افتخار را داریم و حق داریم و در اینجا افتخار کنیم برای اینکه وحدت ملی را ما بوجود آوریم ، چتر، از خاطر اینکه برادر هایکه در پیشاور بود در سال ۶۷ ما را حذف کردند در سال ۷۰ آمدند ۷۱ ما را حذف کرد ولی ماعده بر خورد نکردیم ما از روزیکه کابل ساقط شده بود جناب حضرت صاحب در پاکستان بود همین نیرو همین توان را در کابل داشتیم ما اگر میخواستیم عقده بر خورد بکنیم همان وقت حنگ میکردیم نمی گذاشتیم که کابل وارد شوند ما مذاکره کردیم، مذاکره مانتیجه داد، آقای سیاف سرما حمله کرد ما تنها جریان سیاسی هستیم که در طرف ۲۰ ماه گفتیم که جنبش قابل حذف نیست باید بپذیریم و یک واقعیت است هر کس روی تمامیت ارضی افغانستان وحدت ملی افغانستان فکر کند کسی را حذف نکند ما تنها جریانی هستیم که در شورای قبادی از حقوق جنبش دفاع کردیم ، در شورای جهادی دفاع کردیم و گفتیم تا حالا هم روی این موضع هستیم ما دشمنی پشتون و هزاره را شمت در صداش راحل کردیم در صورت که شما شاهد بودید که یک پشتون در منطقه هزاره آمده نمی توانست و یک هزاره در منطقه پشتون رفته نمیتوانست این راحزب وحدت با تفاهم حل کرد، من میگویم هر کس برای مفاقی و دشمنی ملت ها حرف بزند خائین ملی افغانستان است (تکبیر حضار) - از یک و پشتون در بینش انقدر دشمنی خلق کرده بود، دولت قبلی که از یک منطقه پشتون رفته نمیتوانست و پشتون در منطقه از یک اینرا فقط با واسطت حزب وحدت توانستند این دولت دشمنی اش رافع نمایند، اینکه هر کس فکر میکند که جنبش در کنار جمعیت باشد یاد رکنار حزب وحدت اسلامی باشد این تصمیم خودان مردم است بشمار بی ربطی ندارد ولی وقتیکه آقای دوستم آمد در اینجا میانجی شد بین ما و جمعیت مامیانجی شدیم بین جنبش و حزب اسلامی و آقای حکمتیار و آقای دوستم نشست این افتخار ملی راحزب وحدت دارد و هست و در این راه گام برداشتیم این به این معنی نیست که امروز از یک و پشتون و هزاره - علیه تاجیک موضع بگیرد تاجیک برادر ماست از ملت ما و یک کتله بزرگی از این سرزمین است این به معنی دشمنی نیست ما در این راستا تلاش میکنیم که بیکروز این دشمنی را هم با تفاهم بین این چهار تاملیت حل بکنیم و این افتخار تکمیل شونده حزب وحدت اما در این جایبایم بررسی بکنیم برای اینکه ما وقتی موضع میگیریم در مقابل دولت به اصطلاح خودشان این موضع حزب وحدت و منافع مردم ماست هر کس بیاید در اینجا این مسئله را این طور تلقی کند که ما طرفدار حزب اسلامی هستیم ما علیه جمعیت هستیم این به نفع ما نیست ، این را غلط میدانیم چه بزرگ باشد چه کوچک ، این طرز تفکر طرز تفکر غلط مادر - اینجاموضع سیاسی داریم ما علیه دولت موضع که میگیریم از خاطر منافع مردم ماست بیایم در اینجا توافق نامه جلال اباد وقتیکه پیش آمد توافق نامه اسلام اباد ما اعلان کردیم که خواست حزب وحدت تا همین نشده ولی از اینکه آمدند نماینده های تنظیم های جهادی پای وی امضا کرده و نماینده حزب وحدت بوده و مصالح مملکت ما قبول کردیم حال بررسی میکنیم وقتی که ما قبول داریم روی توافق نامه کجایش عمل شده و کی عمل نکرده در این توافق نامه آمده در اینجا که ۵ تا وزارت خانه توسط کمیسیون اداره شود این ۵ وزارت

خانه وزارت خانه های کلیدی است ، اطلاعات و کلتور، دفاع ، داخله ، خارجه ، مالیه ، غیر از یک وزارت که وزارت حزب وحدت بوده که وزارت مالیه بوده این مسئله را عمل کرده کمیسیون در انجا دایر بوده تا وقتیکه دولت در حال سقوط در جنگ بر ابر شده کمیسیون تصمیم میگرفت در مصارف مالی اینکه از وزارت مالیه بیرون میشد دیگر بایا این کمیسیون وزارت خارجه را بیکروز رویش رادیده و اینجا آقای ربانی عمل کرده ، نزدیک ۶۰ تا کشور در خارج کشور افغانستان نمایندگی دارد آیا این حق است که در ۶۰ تا کشور از حزب وحدت بکنفر نمایند هم نباشد و من برای شما اینجا واضح میگویم و این رامستند اثبات میکنم که ۵۰ سفارتخانه تنها از جمعیت است ۱۰ تا - انرا به دیگران داده باشد ۵۰ - انرا (عناصر) جمعیت است وزارت داخله کمیسیون دایر شد نشست در اینجا تعیینات آن در مسایل ان تصمیم گرفته شود آقای حکمتیار هم بحیث وزیر داخله که سرپرستی اش را میگیسرد تعیینات اش را آقای ربانی قبول کرد، آیا وارد شدن در داخل شهر کابل گذاشتند؟ آیا وزارت اطلاعات از طرف حزب وحدت آقای معصومیار تعیین شد بیکروز گذاشتند که در وزارت اطلاعات برود آیا در سال ۷۱ کابینه گفتند ، موبه کرده که درین ۳۵۵ میلیارد بودجه افغانستان را بدون پشتوانه روسها چاپ بکند و تخمیس داده برای هر وزارتخانه آقای ربانی از پیش خود ۸۰۰ میلیارد چاپ کرده و اکثریت قاطع ازین را وارد بانگ نکرده ما مگر میتوانیم (تابع این حزب سیاسی) باشیم ، نمایندگی از یک مردم هم بکنیم؟ در این جایی تفاوت باشیم هیچ خم به اب روی آقای ربانی نگویم ، اینکه دفن کردن مردم ما است و حزب ما این موضع ماست ۲۰۵ هزار اردو امروز در کابل اعاشه و وابطه میکند بدون حوزه جنوب غرب در اینجا یک نفر از حزب وحدت نیست مگر ما میتوانیم در این مسئله بی تفاوت باشیم ؟ در این سال ۱۲۰۰ میلیارد پول چاپ کردند ، در یک جلسه حل و عقد ۱۲ میلیارد پول برای طرفداران خود بخش کردند در حالیکه بودجه افغانستان در زمان داود در یک سال ۱۲ میلیارد بود ما میتوانیم در اینجا بی تفاوت باشیم ؟ در توافق نامه جلال اباد آمده که هر وزارت خانه متعلق در هر حزب که است معاون اول ان حق ان حزب است که باید انتخاب بکند ۶ ماه میشود که ما پیشنهاد آقای مقصودی را دادیم که معبر اولون وزارت مالیه باشد از دفتر آقای ربانی بیرون نشد ، آقای ربانی در این مدت که کمیسیون ما دائر بوده و داشته کار میکرد و داشتیم که مسایل خود را حل بکنیم در وزارت دفاع ۴۶ تار یاست است از ۴۶ تار یاست وقتیکه با کمیسیون ماسرو کله زدند که ۲ ریاست بدهد ، یک ریاست هم پیشنهاد کرده ریاست برادران حرکت اسلامی را ما اینقدر نیستیم که زیر بار این دولت برویم ما مجبور هستیم هر رقم دیگران عمل بکند ما حیثیت مردم خود را باید در نظر بگیریم ، گفتیم ما ریاست که با حرکت اسلامی دادید نمی گیریم اشکال ندارد این موضوعیست که در این جاست پیش آمده ۳ ماه پیش ما در اینجا راه حل همین را داده بودیم که باید ربانی و حکمتیار استعفا بکنند دولت موقت تشکیل شود، این مسئله ، امروز نیست که اگر بیاید اینجا کسی تلقی بکند که اگر ما برای مردم مان حقی خواهیم و میخواستیم در تصمیم گیری شریک باشیم هر کس روی این مملکت خیانت بکند باید برایش بگویم و جلوش را بگیریم ، یک مرد میکه در سر نوشتش حساس نباشد ، حزبی که موضع سیاسی نداشته باشد این دیگر حزب

سیاسی نیست ، این مرده است ، این موضع ربطی ندارد که حکمتیار باربانی توافق باشد یا مخالف باشد، فردا اگر بیاید حکمتیار همین عمل را بکند ما عین موضع را علیه حکمتیار می گیریم (تکبیر حضار) ربانی آمده در اینجا علیه جنبش فتوی داده اول ربانی اهل فتوی دادن نیست اسلام را در مسخره گرفته در زمان آقای حکیم برای فلسطین بیکروز مطرح شد که آقای حکیم فتوی بدهد طلبه های نجف و قم می لرزید که اگر فتوی بدهد برای همه ما واجب است که ما باید برویم جهاد بکنیم ، امام خمینی (ره) وقتیکه جهاد سازندگی را تشکیل داد در تیر روزنامه نوشته شده بود جهاد سازندگی را تینترش را بزرگ نوشته کرده بود مردم ایران در تشویش افتیده بود که اگر امام امر جهاد داده باشد چکار میتوانیم بکنیم در هشت سال حنگ تحمیلی امام خمینی علیه عراق امر جهاد نداد، این از نگاه اسلام یک همچو قداست یک همچو مرتبه هست بعد سمت شمال کیست ؟ جنبش از کی تشکیل شده بر علاوه که اینجا این منطقه یک مرد میست از یک و ترکمن که جهادی و غیر جهادش عالم و غیر عالمش در جنبش آمده کل احزاب جهادی در سمت شمال عضو جنبش است ، خود جمعیت عضو جنبش است مگر میشود بنام جنبش کسی بیاید فتوی بدهد علیه اش ما بی تفاوت باشیم ما این جاحق داریم که از خود مان دفاع بکنیم، حزب وحدت معاون جنبش است در سمت شمال این چه فتوی مسخره ایست که ربانی میدهد علیه ملت (تکبیر حضار) ده - برابر ربانی جنبش در سمت شمال عالم دار داین نه از نگاه شرعی درست است ، نه از نگاه سیاسی درست است نه از نگاه ملی درست است این فتوا، ما اگر بیایم اینرا بگویم که عاقلانه نیست ، منطقی نیست ما این عقیده ماست مگر این بمعنی اینست که ما از فلانی حمایت می کنیم و علیه فلانی هستیم ۰۰۰ هر کسی بیاید منطقی بر خورد بکند هر کس بیاید وحدت ملی را بهم بزند ، هر کس بیاید تضاد ملی را بوجود بیاورد ما این را خائین ملی میدانیم و علیه ان این موضع مردم ماست ، - ثلث مردم افغانستان را شما تشکیل میدهید از اولش انحصار گرایانه بر خورد کردند و غیر منطقی بر خورد کردند ، همانطوریکه درباره ما غیر منطقی بر خورد کردند ، دوباره ما را حذف کردند از تصمیم گیری و گفتند اینها سهم ندارند ، اینها در افغانستان وجود ندارد عین غیر منطقی بر خورد کردن درباره جنبش است ، همینطور که ما امروز بحمد الله با تصمیم شما ، با مادگی شما و با فداکاری شما به با زوان پرتوان ما همدین شما اینجا قبولانندیم که ما هستیم و یک ملت هستیم بدون ما تصمیم گرفته نمیتوانید و من معتقد هستم که جنبش عین این مسئله را سر این اقایون خواهد قبولانند هر کس علیه جنبش موضع میگیرد بیکروز اثبات میشود و میگوید که ما اشتباه کردیم ۸۰٪ - منابع طبیعی افغانستان مال شمال است اگر یک ذره روی منافع علیای مملکت کسی فرموی کند از این موضع گیری موضع گیری غلط دست بردار دوا این حرف درست نیست والا افغانستان تجزیه میشود و این بنبفع هیچ کسی نیست من اینرا به ان کسانی که بسیجی متعصب است از اسم دوستم هم بعیش می آید قوم از یک هم قیافه اش خوشش نمی آید برای شان گفتم و قبول کردند، گفت تودرست می گوئی ما اشتباه میکنیم راه حذف در افغانستان تمام شد و کسی نمیتواند کسی را، ملتی را - حزبی را و مذ هبی را حذف بکنند که راه است راه تفاهم و پذیرش همدیگر و این منطق را با همه اعلان کردیم و میگویم و روی این مسئله هستیم هر کس درین مملکت لسانا، مالا، نظامی غیر نظامی خیانت بکند مقابلش می ایستیم و اینها سر عقل بیایند و این جور و چپاول و این بیت المال که ۲۰ ماه اینها مصرف کرده در تاریخ افغانستان سابقه ندارد، دنیا هم یک همچو حکومتی را در هیچ جای ندیده حکومت



جرس فریاد میدارد که...

صورت چروکیده مردم ماقصه هیادارد کوههای بلند با سرزمین سروشان، با ایندگان رازها دارد، بر ماقصه، قصه های که فسر از واقعیت هاهریک به تنهائی "تاریخی است" از عظمت، گذشت و فداکاری یک ملت مظلوم که تاقرون واعصامتادی فقر و تنگدستی بر آنان حکم و وجود شان شلاق ظلم و استبداد را - لمس، امارویش لاله های سرخ شقایق رارج می نهد.

کیرلای سرزمین مابادشت هاوکوهها با ما سخن شناسمی گوید که ای ظلم و ستم رفتسه بخود رابیادداری؟ ما هم می گوئیم بلی چه غریبانه بیادداریم،

مامیدانیم چراکوه چهل دختران به این اسم مسمی شد، مامیدانیم که صدها دختر روزن - مردم مابعد از اسارت چگونه توسط تاجران حریص بدستور خون اشامان تاریخ در بازارها معامله و دست بدست شدند، داستان آن مادر ایستن که پس از تجاوز در برابر دیده گان فرزندان شان در اطرافش آتش برپا کردند تا ببینند که چگونه بطن اش میترکد، بارها و بارها از زبان نیاکان به پدران ما و از آنان بمانا نقل شده، بگذریم از گذشته های دور در - همین سالها در افشار مظلوم چه کردند؟ اگر سینه خاک را بشکافیم خواهیم دید که چه گوهرهای گران بها و زیبائی را در دل خود جاداده است.

ولی اکنون ما میخواستیم، آذان بگوئیم، نمیخواستیم دیگر رنگ قعود بر پیشانی ما زده شود، میخواستیم روی پای خود بایستیم و دیگر نمیخواستیم لقمه نانی از صدقه و منت بخوریم تا در کوجه و بازار تحقیر ماسازند، میخواستیم چین و چروک را از صورت مردان و زنان خود بزدائیم، نمیخواستیم دیگر سرنوشت مادر پشت درهای بسته توسط دیگران رقم خورد که آنان:

بر ماتا خندند، تیغ کشیدند، فاجعه خونین چند اول و افشار را بوجود آوردند و صدها فیرموشک به مناطق مسکونی نشانه گرفتند دختر معصوم که ملت مسان به داستان کوچک اش از حیرت عفت دفاع میکرد قطعه، قطعه کردند، کارگر زحمت کش را خسته و کوفته از کار به هنگام استراحت با کودک خردسالی که روی زانو نشاند بود چگونه زیر آوار ساختند.

آی پدر، برادر و آی مادر داغ دیده ۱۱ تودل قوی دار زیر احقانیت ما هم اکنون توسط فرزندان شما در عرصه پیکار ثابت شده در نتیجه ما پیروز خواهیم شد.

لحظه به به مسلمانان یوسنیائی بیندیش به آنان بگو امروز بناحق بر تو ستم روا داشته اند و تو زبان به شکوه کشوده ای، از تجاوز صریهائی پلید به دختران خردسال میگوئی و از آواره شدن، و ویران شدن سر پناهت و مشکلات همه گله داری و اردوگاههای مرگ را - تصویر می کشی شاید دلی بدر داید؟ اما به کی میگوئی؟ دل قوی دار از ناله هاییت یاغیر سخن مگو که جز اندک وجدان بیدار و آگاه همه مسخ شده و قصه رنج هایت را نخواهد شنید و اگر شنیدند بتخواهد خندید که مگر حقوق بشر نبود؟

در مبارزه ات، در آواره گی و در بدری - در قتل و خونریزی و غارت و چپاول و همه - مظلومی که بر تو می رود خود را تنه احمس مکن بدان قبل از تو مصائب بر ما رفته، بعد از تو بر دیگری خواهد رفت و این نه اولین است و آخرین هم نخواهد بود.

به مسلمانان فلسطینی بیندیش که در هنگام اقامه نماز توسط یهودیان به رگبار بسته میشود و جنوب لبنان را فراموش مکن که چگونه بمب از آسمان بالای شان میریزد و بدانید که دشمن ما زبون و احمق است و از - حماقتش همین بس که با حقانیت آزموده و به سراغ تان آمده و او محکوم به شکست است.

زندگی جز عشق در راه وصال معشوق، انواع خطر در کمین است " شبی حاشیل و بیم موج و گردابی " سخت سهمیگم است، اما " سبکساران " میتواند بر ساحل مراد برسد پس بر خیزید که " جرس فریاد برداشت که بر بنیدید محلها. پایان

مصاحبه اختصاصی با...

مایک مارکیت تجارتي مواد ارتزاقی با گنجایش ۵۰۰ باب دکان در حصه ۵۰۰ دوع ایاددار لاسان اعمار و از مدت ها قبل بکار خود آغاز نموده است بر علاوه چندین مارکیت دیگر نیز در سایر نقاط غرب کابل در حال اعمار و تکوین است، در داخل هزاره جات نیز پلان های بازسازی و ترقیاتی و از همه مهمتر رسیدگی به امور آموزشی و صحت از پلان های جدی رویدست میباشد و همچنین در ساختار آینده واحد های اداری و لایات و - ولسوالی های هزاره جات تعیین حدود و مرز جغرافیائی و لایات و ولسوالی هار اتعیین - نموده است که در مجموع برای هزاره جات - پنج ولایت بنامهای ۱- بامیان ۲- غرچستان ۳- ارزگان ۴- بهسود ۵- غزنی باختری و برای هر ۲۵۰۰۰ نفر یک ولسوالی در نظر گرفته شده بود که الحمدلله این تقسیم بندی و احصائیه کارش تکمیل شده و انشالله به دولت و حکومت منتخبه تسلیم و توافق آنها کسب خواهد شد.

س: فعلا " حزب وحدت اسلامی در ارتباط بصلح و آرامش کشور چه طرحی دارد؟ و هم در سیاست های خارجی حزب اگر روشنی بیندازید بهتر است؟

ج: در جواب بخش اول سؤال شما عرض میشود که طرح حزب وحدت اسلامی مبنی بر استقرار صلح و آرامش همان شعاع وجودی احزاب بوده که با هم روی معیار واحدی زمینه انتخابات را فراهم نموده و بعد از انجام انتخابات احزاب سیاسی - نظامی مطابق نظر و میل مردم موضع شان را اتخاذ نمایند.

و در جواب بخش دوم سؤال شما عرض کنم که حزب وحدت اسلامی نظریه موقوف مسالمت امیز که دارد خواهان روابط حسنه و نیک با تمام کشورهای همجوار و جهان مبنی بر عدم مداخله بر امورات داخلی همدیگر میباشد و بر همین اساس است که از تمام کشورهای یک - نمایندگان شان در کابل می آیند با مسئولین حزب وحدت ملاقات نموده و حسن نظر شان را ابلاغ نموده و با کسب حسن نظر مرخص می شوند، در مجموع روابط حزب وحدت با جهان خارج و خصوصا " کشورهای همجوار دوستانه و بر اساس عدم مداخله در امور داخلی همدیگر استوار میباشد.

س: در اخیر اگر پیام و سخنی برای مردم زجر دیده ماداشته باشید بیان فرمائید؟
ج: پیامم به مردم زجر دیده ورنج کشیده افغانستان عزیز بخون خفته اینست که باشعور و آگاهی که دارند همگی متحد شده و در راستای صلح و آرامش کشور دوشا دوش مسئولین که خواهان صلح و آرامش در کشور میباشند حرکت نموده و دیگر به تشنگان قدرت این اجازه راندهند تا با سرنوشت شان بازی نمایند و همچنین امیدوارم که برادران و تنظیم های قدرتمند نظامی و واقعیات های عینی جامعه ما را بپذیرند و جنگ را راه حل ندانند و دیگر بیش از این با سرنوشت مردم بلا کشیده - ما اینچنین بازی خونین نکنند. پایان

گذری به بامیان باستان

مشهود است، تاریخ این نقاشی هابه قرن پنجم تا ششم پیش از میلاد میرسد (۱۸) اثر هنر ساسانی در نواره های کنگره های معابد، در نقاشی ها و مجسمه ها پیدا است و هم سمبول هاباکله حیوانات وحشی و نسول پرندگان منشاء ساسانی دارند.

راهبان موحدین تصاویر دیواره هاین دو حضور سبک های گوناگون هنری بخاطر بود و باش - راهبان ایرانی، هندی، گندهارایی، یونانی و جاهای دیگر در بامیان و آهانگران بوده است بخاطر حضور سبک های گوناگون هنری در این وادی بعضی هابه این باور اند که گونه ای از هنر محلی در بامیان ریشه کرده بوده که از اختلاط عناصر مختلف هنری چه غربی و چه هندی به میان آمده بوده است (۱۹) و بعضی ها آن را - هنر کوشانی - ساسانی نام داده اند (۲۰)

دانشمندان باور دارند که نقاشی های طاق های بت کوچکتر با نقش رستم و شاپور دوره ساسانی مقایسه شدنی است، از این رو - سبک آن ایرانی یا ساسانی است (۲۱) و هم در گوشه غربی تصاویر زن های با کلاه های خود ساسانی و نیزه و سپر است، تصاویر اسپ ها شدیداً اسب دیده و تنه این جاوانچا آثار سم شان پیدا است، در مغاره های بودا نشسته طاقچه های زیبا ترئین شده بوده اند، بودا در وسط قرار داشته و رقصه ها و نوازنده ها دور او را گرفته بوده اند و این اثر هنر هندی است (۲۲)

تاریخ این تصاویر به قرن سوم و چهارم پیش از میلاد میرود و زمانی خلق شده اند که خود مجسمه اعمار شده بوده است. پایان

نامه از آمریکا

را ازین سرطان خبیثه (برادر کشی و ویرانی وطن) نجات بخشند ۰۰۰ رهبریت حزب وحدت اسلامی را باید مانند مردمک چشم خود هانگهبانی نموده و پایه های اقتصادی، نظامی فرهنگی، روانی، سیاسی، اجتماعی، ارتباطی این حزب پرافتخار را که از قهر انقلاب و بطن مظلوم ترین توده های کشور، در بامیان باستان بارشادت تمام و قهرمانی های مردم عرض اندام نموده اند، آگاهانه و پیگیر و صادقانه تقویت نمایم و الا منتظر چنان روزگاری باشیم که از سر های ماکله منارها، از تنهائی ما خشتهای دیوار و از دستها و پاهای بریده اطفال معصوم ما سقف خانه خواهند ساخت ۰۰۰

نامه از آمریکا

خوانندگان گرامی ۱

محترم انجنیر غلام سخی ارزگانی یکی از مسئولین دلسوز حزب وحدت اسلامی در امریکای نامی ای درمندان و وضعیت موجود کشور مطرح نموده که ما لازم دیدیم آنرا بعد از اندک کم و کاست عیناً "بچاپ برسانیم که نیلا" مطالعه میفرمائید و هم فرضت را غنیمت شمرده سلام و احترامات متقابلسه خود را به ایشان تقدیم و از تشویق شان ممنون و انشاءالله نشریه مرتباً "ارسال میگردد" اداره طلوع وحدت

از اینکه طلوع وحدت را مرتباً در امریکا گسیل میدارید خیلی ها تشکر و سپاس گذارم... در حقیقت یکی از نشریات هم همین طلوع وحدت اند که ما را در جریان اوضاع و مسایل کشور و جهان قرار داده و در حد خودش مرزها و گوشه های حق و باطل مربوط به مسایل داغ کشور و منطقه را منعکس مینماید که جای بس مسرت برای بنیان حق و عدالت و توده های بحون تپیده و ماتم زده افغانستان اند، ما باید هزاران مرتبه رو بسجده برویم و خالق توانای خویش را سپاس و شکر گذار گردیم که در یک همچو موقعیت رسیده ایم، با تمام موانع و مشکلات عدیده که از سوی پاسداران فاشیسم و میراث خواران تازه بدوران رسیده آن در کشور و حمایت کنندگان خارجی آنها مواحه بودیم و هستیم، باز هم با پایمردی صادقانه و بدون ریا، از استقلال و تمامیت ارضی حفظ مقدسات و نوامیس ملی... لحظه در هیچ یک مقطع زمانی امکانی عاقل نبوده نیستیم و شواهد عینی ارزشمند را برای آیندگان و تاریخ واقعی کشور به میراث گذاشته ایم.

خوب اینکه در جریان تقریباً سه قرن از اثر حاکمیت طبقاتی، فاشستی، سیاسی، اقتصادی روانی... یک ملیت، تمام ارزشهای معنوی مادی، هویت ملی ملیتهای تحت ستم و رنج دیده وطن ما را نفی و حتی همه را کلاً "نابود کرده بود و کوچکترین نما و امکان انرا از ماقطعا" سلب داشته بود تا با کسب شخصیت، هویت ملی، سیاسی... خودها هرگز باز نگردیم و به عنوان برده گان نوین بی اراده خیلی طولانی در حلقه های بیدادگریهای بی رحم و وحشی زور گوین قدرت طلب و مسلمان نماها محصور و محکوم ماندیم، در طول تاریخ که کشور ما هر مرتبه مورد هجوم و تجاوز بیگانه گان قرار گرفت ملیتهای تحت ستم بومی با جفا گذاشتن شهدای برحق خویش از مقدسات ملی وطن، خداجویانه دفاع کردند، استقلال وطن را قهرمانانه بدست آوردند و متجاوزین بیگانه را شرمسار از وطن خارج کردند و دین ملی و اسلامی را بنوبه خویش جانبا زانه ادا نمودند اما در عوض اندکترین شمره از نتایج چنانشاری ها و مبارزات برحق خود ماهمان نصیب نشدند بلکه به گونه دیگری باز هم مورد حمله تلفی ها و تعصبات نژادی، مذهبی، منطوقی، لسانی اقتصادی... قرار گرفتند، نطفه های انقلابی شخصیتهای سیاسی، ملی، مذهبی ملیتهای عقب گذاشته و تحت ستم راز هسته و بنیاد آن بانیرنگها و دسائیس مختلف سربه نیست می کردند، باز از حق تلفی گرم بود، قانون جنگل در کشور میراثی شد و هر کس بی زور داشت بینه اصطلاح حق داشت، اکثریت قاطع از ملت باری مورد میکشیدند و خار میخورند ولی یک بخش کوچک حاکم دست مز دکلیه مظلومین و محکومین کشور را بدون عرق ریزی و زحمت مفت تماحب و غصب میداشتند.

... با وجودیکه کشور ما از یک جامعه اسلامی تشکیل یافته و انطوریکه بایست از اصول اساسی دین مبین اسلام استفاده میشود نشده و متأسفانه هنوز خیلی ها بدور است

فلهذا از همینجا است که در جامعه چندملیتی ما، اندیشه ها و عملکردهای ضد اسلامی وضد انسانی حاکمان و وابسته به احانب چنان این کشور را از کاروان تکامل و پیشرفتهای اجتماعی باز داشته و به عقب گذاشته اند که در واقع بیانگر خصلت برده گان نوین درین عصر تکنالوژی نوین و اتم میباشد از همین رو است که در روند انقلاب و مقاومت برحق ضد تجاوز روسی و ایادی شان در افغانستان از اثر نیات، اندیشه ها و رویشهای ضد ملی و ضد مردمی یک عده از تنظیم ها که زاده و پرورده استعمار کهن و نوین جهانی اند تا کنون ضربات خرد کننده شکی در پروسه وحدت ملی، هویت و مقدسات ملی و ارمانهای برحق مردم بیچاره و مظلوم ما وارد آورده اند که خسارات وارده ناشی از آن با ایجاد یک دولت مردمی پایدار و مبارزات پیگیر همه جانبه طولانی مدت، نابودی کامل خائین ملی و عوامل استکبار جهانی قابل جبران خواهد بود.

اری باشکست و خروج روسها از کشور و سقوط دولت کمونستی در کابل که بایست یک نظام ملی و عادلانه با ارای داوطلبانه تمام توده های محروم کشور بوجود میامد که متأسفانه بر اثر خیانت یک تعداد از تنظیم ها و اندیشه های ناپاک آنها تا کنون از آن دولت ملی و اسلامی هرگز خبری نیست و باز هم مانند گذشته میراث خواران شوم و مستبدین ملیت حاکم یک تعداد بنام رهبران ملیت مظلوم یا ائتلاف کمونیستها و چانیان وهابی ثمره انقلاب و مبارزات عادلانه چهارده ساله ملت قهرمان ما را به یغما بردند و با هزاران خدعه و تقلب حکومت کابل را بدون اشتراک اکثریت نیروهای مقاومت واراده مردم غصب نمودند از اینکه چند صباحی را بصورت کذائی بر مسند جباریت دولت غیر مردمی و ضد اسلامی در کابل تکیه کرده باشد، به ادامه دسائیس و همکاری احباب، جنگهای متعصبانه مذ هبی را که از اسلاف شان امیر عبدالرحمن جلاد، حفیظ اله امین خونخوار و سیر و هابی به ارث گرفته بود توسط سلاحهای گرم، توپ، طیارات - بمب افکن، راکت و... بر فرق مردم شیعه و هزاره در کابل گفتند و عملاً "جنگ شیعه و سنی را بوجود آوردند" به استفاده از عدم آگاهی مردم سنی مذهب عده را عملاً "در جنگ رویارویی و کشتار دسته جمعی مردم تشیع تشویق کردند با وجود اینکه خسارات مادی و جانی زیادی را در پی داشت اما زمام داران خود فروخته وضد ملی در کابل چندان پیروزی هم نداشتند ولی از طرفی قسماً "تغادها و تعصبات سابقه را مجدداً" شعله ور کردند که با ابتکار و درایت ناب او و اثر رهبران روزمندگان حزب وحدت اسلامی، تدویرهای دشمنان ملت خاموش و خنثی گردیدند، این بار عاملین دولت غیر قانونی و غیر مشروع کابل باز هم از نیرنگ دیگری سلاح زنگ زده و کهنه استعماری استفاده کرده جنگ نژادی را بر راه انداختند در هر کوجه و باز از هزاره ها رازنده بدیوار میخکوب کردند، ترور نمودند، بدار او یختند زندانی ساختند، بزور به گروگان بردند شکنجه های غیر انسانی نمودند، دسته جمعی بقتل رساندند... حتی مردم از بک راکت نشناختند بنام هزاره کشتند.

دولت با اصطلاح کابل بدنبال جنایات و جنگ های تحمیلی بالای مناطق هزاره و شیعه نشین با دست یاری یک عده خائین ملی، بیزیدگونه فاجعه افشار یعنی بهتر گفته شود که صحنه خونین کربلای افشار کابل را بالای مردم شیعه و هزاره های این مرز و بوم بوجود آوردند و با انواع کشتار دسته جمعی، چور و چپاول منازل تجاوز به... و بریدن دست و پای اطفال معصوم در مقابل چشمان والدین شان، مثلاً نمودن اعضای بدن زنان حامله دار و امثالهم بیانگر ماهیت ضد اسلامی و ضد انسانی زمامداران

داران دولت پوشالی کابل است که باشیوه بدتر از نازیهای المانی با کشتار مردم هزاره و شیعه هم نتوانست که حد اقل مواضع دولت را قدری بهبود بخشد و برعکس خصلت چنانیکارانه زمام داران دولت غیر مشروع و غیر قانونی کابل بیشتر به جهانیان افشاشد.

حال که ملت بخون خفته مادر برابر قربانیهای انحصارگران، قدرت طلبان گونه گون بی خد اقرار دارند و کلیه سرمایه ها و شریانهای اساسی حیات فرهنگی، مادی اجتماعی و... خودها را از دست دادند و اوضاع کنونی از هر زمان دیگر بعرج تر گردیده و هیچ راهی بیرون رفت به سلامت و صلح تا کنون از این سرطان تباه کننده بنظر نمی رسد افراد و نیروهاییکه محصول سیاستها، سرمایه گذاریها توسعه طلبیها و... استعمارگران جهانی و منطقه هستند، هیچگاه حاضر نیستند که از منافع تک حزبی و فاشستی خودها بنبغ مردم حتم دایمی جنگ، صلح، وحدت ملی، اعمار مجدد کشور و در آخرین تحلیل بغرض تحقق عدالت اجتماعی برای تمام ملیتهای ساکن در کشور اعم از زن و مرد لحظه بر سر عقل بیایند و صرف نظر کنند.

این کاملاً واضح و مبرهن اند که ملیتهای تحت ستم طی سالیان طولانی در زیر ضربات خرد کننده ستم ملی، سیاسی، طبقاتی، فرهنگی روانی و... مستبدین حاکم بانفس نیمه دم و پیکر علی و ناتوان دست و پا میزدند و در واقع فاصله مرگ دایمی را طی می کردند که شاهد کودتای روسی و اشغال نظامی آن از افغانستان بودیم، درین مقطع باز هم ملیتهای مظلوم با دست خالی با دیگران در برابر تجاوزگران اشغالگران روسی و ایادی پلید شان در مبارزه پرداختند و بیشتر ترین قهرمانیها و حماسه ها آفریدند و زیاد ترین تلفات و قربانیها را بخاطر دفاع از میهن و مقدسات ملی متحمل گردیدند، اما خائینان به ملت و حکام جنایتکار با دارائی های سرمایه ها، منسوبین و قبایل حاکم خویش در آغاز انقلاب سلامت و سالم بخارج نقل مکان نمودند که عدد انرا بنابر مقاصد خاص شان هجرت نامیدند. درین فلسفه مرگ با آزادی بود که ملیتهای محکوم که برده گان نوین قرن بیستم افغانستان اند، با پیکار خونین جانبا زده، رشادتها، قهرمانیها و... نفس تازه ای کشیدند و قدمهای ابتدائی را عرض احیاء مجدد هویت ملیتی، شخصی، سیاسی، نظامی و فرهنگی خودها برداشتند، این بار باز هم اشغالگران را از کشور نابود کردند و وطن عزیز را از لوث دشمنان آزاد ساختند.

درین مقطع خیلی حساس و سرنوشت ساز است که بایست همه دست آوردهای انقلاب را با هوشیاری کامل سیاسی ابتکارات عالمانه، مدبرانه و... حفظ کرده و انرا پیگیرانه رشد و تکامل داده شود، قبا را بنسل آینده کشور میراث ارزشمند باقی بماند.

باتوجه به نکات فوق کاملاً ضروری و حتمی است که عناصر ملی- اسلامی، روحانیون و علمای مبارز و روشنفکران با در، صاحب منصبان قهرمان، مبارزین سربکف، محصلین و متعلمین آگاه، حاحیان و سرمایه داران ملی دلسوز، زنان قهرمان، دهاقین و کارگران و کسبه کاران شهید پرور و توده های ماتم زده هنرمندان و فرهنگیان آگاه، شیعه و هزاره از همین فرصت که خود شان انرا بدست آورده اند هوشیارانه استفاده نمایند، این امر وقتتی ممکن است که تمام نیروهای فوق الذکر قلباً متحدانه و یک پارچه تحت رهبریت آگاه و شکست ناپذیر حزب وحدت اسلامی افغانستان به سرپرستی برادر قهرمان و مجاهد حجت الاسلام والمسلمین استاد "مزاری" در کنار مبارزین راستین ملیتهای ساکن در کشور بسیج شده، ملت مظلوم و قهرمان افغانستان

از طارق مالستانی

بهاراندوهناگ

هر نویسنده با احترام سال نو بامید شرایط بهتر زندگی بشریت و هموطنانش اظهار عقیده میکند، بنده که بر هفتاد و سومین قاتق عمرم از امواج رود خانه حیات لرزان، لرزان می گذرم با سرانگشتان نحیفیکه از حفای روزگار حسته و خاطریکه از پیشامد های ناهنجار هجرت افسرده است قلم را روی صفحه کاغذ به تگ آورده از اندوه درونی روز اول سال ۱۳۷۳ - یعنی بهاریکه در سرزمین بلاکشیده وطن عزیز ما افغانستان با حنگ و خونریزی و ناامنی یاد میشود خواستم چیزی بنویسم، زیرانوروز یاد گاریدران و اسلاف مایت و سالهادرسر زمین پهناوریکه بعداً " انرا بلخ نامیدند بنام میله گل سرخ حشن نوروزی برپا میشود و بهمین تاریخ در شهر کابل و دیگر شهرهای افغانستان عزیز و همچنان در روستاها توسط دهقانان با مراسم خاصی برگزار میگردد بیاد و بود آن ایام امسال این روز حسته را با پیشانی تابناکش در کوچه و بازارهای ویرانه و خون الود شهر کابل در عالم خیال تصور کرده چنین ترسیم میکنم که ایاز زیر اصابت های شکننده راکت ها، گلوله توپ ها، و بمب های مخرب چه صحنه های حوادث و سهمگین و فلاکت بار برانهمه ساختمانهای زیبا و قشنگ آمده باشد و احوال مردمیکه بواسطه غارت و ربوده شدن ثروت شان استعمار شده اند ایاهلال عید نوروز را از کناره آسمان شهریکه سالیان دراز بنام پایتخت افغانستان یاد می شد چسان و چگونه انتظار کشیده باشند.

بیاد دارم درین شهر با فرا رسیدن نوروز شهزاده بهار خندان بریالهای لطیف و سبک نسیم نشسته پیشاپیش آن دختر شعرو رویا راهش را با الیاس سفید شگوفه و زمرد سبز چمن فرش میکرد ابرهای بلورین با مروارید اشکهایش سر اورا شستشو میداد و دختران موزون و زیبای چمن بر گلبرگ گلها و گلاب پدیدار میشد تا بار خسار فریبنده خود همه حارا از آفسون سحر امیز خود آکنده سازند.

اما امروز بر عکس بحای اینکه فصل بهارش لاله های آتشین خاطره شهیدان گلگون کفن را با قلب داغدارش تحلیل نماید سراسر شهر هوا بيش ترکیبی از دود و آتش و خاک خواهد بود سفیر گلوله های توپ و راکت سیکوت مه السود شیش را در هم خواهد شکست و آنهمه ویرانه های شهر مفسر حالات افسرده و پژمرده بیتیمان و بیوه زنان ماتم دیده خواهد بود، درختان خشک و بی برگ آن از وضع مردم بی سرو سامان گرسنه و غریبان ترجمانی خواهد کرد، کهکشانش با انجم بیشمار جسم شهیدی محسم خواهد ساخت که مرمی های بیشمار کلاشکوف تن تابناکش را سوراخ، سوراخ کرده باشد، آسمانش گاهی بخاطر شهادت هزاران هزار طفل و زن بی گناه اشک خواهد ریخت، شفق صبحگاهانش بر اعمال زشت و شکست های ننگین دوستان اهریمن نیشخند خواهد زد، چراغ شبهای تار منازل تاریک آتش مرمی های راکت ها خواهد بود خلاصه شهر کابل یا آنحائیکه رزمندگان واقعی جان بکف پیروزی خون را بر شمشیر عملاً ثابت کردند، امروز از اثر اختلاف و بیرحمی ها و اندیشه ملوث بقدرت طلبی نیروهای پلید اهریمنی که مایه حسد و کینه است آن شهر آباد و زیبارابه شکل ویرانه درآمده است.

راستی چرا انسان با خدا فاصله می گیرد

و روح ادمی که قدرت انرا دارد که پروبالزند و تا انسوی مرز جهان مادی پرواز کند یکبارگی قلبش از صفا و صمیمیت تهی میگردد و بهر گونه نوع فتنه و ویرانگری می گراید چنانچه کردار بعضی رهبران گروههای سیاسی تمام اهالی شهر کابل را بهراس انداخته هر کس در شهر کابل بعد از این زندگی را مشکل دیده - مردوزن، مردن با هجرت را بمراتب آسان تر تصور میکنند، مردمانیکه سالیان دراز در شهر کابل بدون دغدغه خاطر زیست میکردند فعلاً " اثایه و سامان اندکی برای شان باقیماند ترک گفته و برای نجات راه فرار میجویند و سعی میکنند تا به امریکا و اروپا و ممالک همجواریها برند.

اخیر این هرج و مرج و درگیریها تمام اهالی کشور را متاثر و معذب و در اضطراب انداخته حتی نسل های آینده را از مضریت خودمژده میدهد، درین مقطع تاریخ مصائب اجتماعی در وطن روز افزون میگردد، گروههای متخاصم نمیدانند که از اختلاف شان کشور در معرض شدائد بیشتر قرار خواهد گرفت.

چرا بحای اینکه مدد گار و شریک غم و شادی هم دیگر شوند و مرهم بر زخمها گذارند در پی آباد سازی وطن گردند دشمن یکدیگر شده در پی قلع و قمع یکدیگر شده و با تمام قوا برای از بین بردن هم می کوشند، بدتر اینکه لاف - اسلامیت می زنند و حتی وظایف انسانی را که عبارت از وظایف فردی و اجتماعی در جامعه است یکسو گذاشته بحای آن بحقوق یکدیگر تجاوز میکنند چرا میگذارند عوامل خارجی دست بدست هم داده پیکره جامعه ما را هدف آسیب تباهی و بربادی قرار دهند این سئوالا تیبست که هر خواننده تائید خواهد کرد:

**بابی وطن مگو سخن از نرگس و سمن
از خار کوه هست بدل اشنا بهار**

**ما اهل غربتیم گلوگیر گریه کن
کم کن به هرزه خنده دندان نمابهار**

پایان

افغانستان در سالی که گذشت

قضیه کشور ما را حل نمایم، ملت ما همه در آتش میسوزد، آتش هم ترو خشک نمیشناسد، همه چون برگ درختان در فصل خزان میریزد، بهمین دلیل بوده که حزب وحدت اسلامی در جنگهای اخیر از طریق نظامی شرکت ننموده ولی از نظر سیاسی خواهان استعفای آقای ربانی و آقای حکمتیار بوده تاراه را برای ایجاد یک حکومت مورد قبول و توافق همه مساعد نمایند، بنظر میرسد که وقت آن رسیده باشد که عناصر شیفته جنگ تجدید نظر نمایند، چون در کشور دیگر چیزی باقی نمانده.

حزب وحدت اسلامی درین بهار سال ۱۳۷۳ ضمن تجدید میثاق با هزاران شهید راه عدالت و استقلال کشور و مردم قهرمان خود که تا تحقق عدالت اجتماعی و احقاق حق تمامی ملیت های ساکن در کشور بر مواضع اصولی و اساسی مطروحه خود ثابت و استوار ایستاده است، حلول سال جدید را بهمه تبریک گفته امیدوار است این سال، سال صلح و ثبات و امنیت در کشور باشد.

پایان

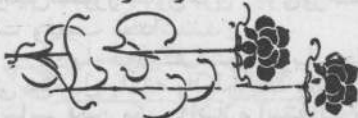
بقیه:

متن سخنرانی استاد...

نیست، این موضع حزب وحدت است هر روز بیاید تفاهم بکند، انتخاب روی نفوس احزاب را سهم میدهند روی نفوس اش ما برای هر راه حلی آماده هستیم و از هر زبانی که بیاید این مسئله را حمایت میکنیم و این هابا بیاید تجدید نظر بکنند و اینها بیاید از ۲۰ ماه گذشته درس بگیرند که نمیشود بازور حکومت کرد نمیشود باتانگ حکومت کرد، نمیشود با پول حکومت کرد، روسپا حنائیتی را در افغانستان کرده که از دوران اشغال در افغانستان بیشتر دارد جنایت میکند، یعنی این پول بدون پشتوانه چاپ کردن در افغانستان آوردند این از دوران اشغال برای مامز تراست و این ها مزدوران حلقه بگوش روسپاست و الا روسپا نمیتوانند اینکار را بکنند (تکبیر حضار) اینها بنشینند سر این مسئله بحث کنند که کی وابسته است و کی وابسته نیست، اینها وقتی که در اینجا حکومت میکنند علیه مردم شان علیه علما و محاهدین فتوی میدهند و هابی ها چرا این فتوی را تائید میکنید، چرا از اینها حمایت میکنید؟ این دخالت نیست در امور افغانستان این ذلت نیست که مشروعیت را از هوابسی میگیری تو خود اینها مرتب سر ما میگوئی که ما

وابسته هستیم با فلان گروه دیگر وابسته است، سعودی ها راه دارد در وقت جنگ برای چه در بگرام میدهد، مسئله اطلاعات مصر برای چه در اینجا آمده در کابل سازماندهی می کند، اگر وابستگی است، اگر مزدور است، اگر دخالت خارج است اینهاست، هر کس اگر را دیدو داشت، اگر تلویزیون آنچه در دهنش آمد باید بگوید، هیچ کس هم بازخواست نکند اصلاً " ۰۰۰ قضاوت کنید ۱۶ سال کشور های اسلامی به جهاد ماکمک کرده سر جایش ما از شان تشکر میکنیم چه سعودی باشد یا پاکستان باشد، ایران باشد، یا چه کشورهای دیگر باشد حق نمیدهیم بر اینکه در مسایل داخلی مداخلت بکند با این وضوح، با این روشنی دیر روز ما می گفتیم نیم ملیار دسعودی هابرای محومه سیاف داده کسی این را قبول نمیگردد، نیم ملیار دیا لرا برای اینکه ما را نابود کند ولی امروز آمده فتوا میدهد علیه مردم ما، یک عالم و یک سیاست مدار اعتراض نمیکند که توجه حق داری، توجه کاره، که علیه مردم افغانستان فتوی میدی هی؟ در وقت جنگ راه دار میدهد این راهیچ کس اعتراض نمیکند، هیچ کس حرف نمیگوید، از این کرده وابستگی بالاتر در کجاست؟ این در کجای منافع این مملکت است، اینها وظیفه ملی ماست ما اگر بخوایم در افغانستان زندگی بکنیم و زنده باشیم ما مجبور هستیم جلوکسی که تخلف میکند و خیانت میکند با بستیم با همه این مسایل ما اثبات کردیم که نمی خواهیم که جنگ راه حل باشد ولی ما موضع سیاسی خود را داریم و میگویم هر که این خیانت را بکند میگویم در مقابلش هر که حق هر کس دیگر را ندیده بگیرد میگویم در مقابلش هر که در حق ما تجاوز بکند برایش جواب می گویم (تکبیر حضار) از اینکه وقت عزیز شما را زیاد گرفتم مخصوصاً " مسئولین شورای مرکزی و شورای عالی نظارت و برادران معذرت می خواهم و ماه روزه است و یکبار دیگر از حضور شما، از احساس شمتا تشکر میکنم.

والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته
۱۲ ر ۱۳۷۲





مصاحبه مطبوعاتی استاد مزاری با...

حجت الاسلام والمسلمین استاد مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر روز پنجشنبه ۱۳ رار ۱۳۷۳ خبرنگاران فرانسوی را بحضور پذیرفته و به سئوالات آنان پاسخ گفتند که متن کامل آنرا از نظر خوانندگان محترم می گذرانیم.

س - بنظر شما سازمان ملل متحد میتواند رولی در افغانستان بازی نماید و طرح شما چه است ؟

ج - سازمان ملل در صورتیکه طبق شرایط اوضاع افغانستان طرح داشته باشد میتواند نقش مثبت و سازنده را در جهت حل بحران افغانستان ایفا نماید، طرح حزب وحدت اسلامی اینست که باید یکدولت موقت بی طرف باتوافق احزاب بوجود آید که این دولت موقت در طول مدت معین طرح انتخابات راتدوین نموده و پیشنویس قانون اساسی راتهییه کند که در آن حقوق تمام مردم افغانستان اعم از زن و مرد در نظر گرفته شود در همین ایام باید زمینه رفراندوم و همه پرسی درباره نوع حکومت آینده افغانستان که سیستم فدرالی باشد یا تمرکز فراهم گردد اردوی ملی باشکرت همه اقوام طبق معیار نفوس ساخته شود و اعضای دولت موقت حق کاندید شدن را در انتخابات آینده نداشته باشد.

س : شما کدام نوع حکومت را قبیول دارید ؟

ج : ما سیستم فدرال را می پذیریم .
س : نیروهای مسلح در این شرایط بچه شکلی خواهد بود ؟
ج : نیروهای مسلح باید از تمام ملیتها ساخته شود وزیر نظر حکومت مرکزی کار نماید .
س : تشکیلات اداری کنونی تغییر خواهد کرد ؟

ج - ما میگوییم در حکومت فدرالی باید تشکیلات بزرگتر بوجود بیاید .

س : در گذشته خواسته های مردم شما در نظر گرفته نشده است حالا چه خواسته هائی دارید ؟

ج : باید در آینده کشور بهمه مناسردم افغانستان سهم داده شود و در انتخابات همه اقشار مردم ازن و مرد شرکت نمایند و تبعیض وجود نداشته باشد .

س : آیا شما تعداد معین از پست های دولتی را میخواهید ؟

ج : تا زمانیکه نفوس شماری دقیق صورت نگیرد ما خواهان سهم گیری در دولت برای مردم هزاره میباشیم .

س : شما فکر میکنید مردم هزاره مانند گذشته در محرومیت بسر میبرند ؟

ج : حکومت قانونی بوجود نیاید و آزادی اجتماعی ، مدنی ، سیاسی و فرهنگی وجود نداشته باشد همچنان محرومیت است .

س : آیا شما این موضوع را با سایر تنظیم هادر میان گذاشته اید ؟

ج : پیش از اینکه روسها از افغانستان خارج شود ما روی این موضوع بحث کردیم و با تنظیم هائی که در تماس بودیم گفتیم که در آینده افغانستان هیچ کس نباید ظلم کند و حق مردم باید داده شود و طبق شعاع وجودی شان باید در قدرت سهیم باشند .

س : آیا در سمیناریکه چند روز پیش در هتل انترکانتیننتال دائر شده بود ، نماینده شما شرکت کرده بود ؟

ج : این سمینار از سوی طرفداران آقای

زبانی سازمان دهی شده بود و ما با آقای ربانی مخالف هستیم ، آنها از ماعت کرده بود ولی کسی شرکت نکرد .

س : شما فکر میکنید سینما بیشتر جنبه تبلیغاتی داشته است ؟

ج : بیشتر بخاطر سرفهیات سازمان ملل متحد بود که خواسته های آقای ربانی را می خواستند از زبان آنها بیان نمایند و به نمایندگان سازمان ملل متحد منتقل نماید .

س : علت جنگهای داخلی چه چیز بوده است ؟

ج : تصمیم عجولانه تنظیم های مقیم پیشاور بود که نظرمه مردم افغانستان را نادیده گرفته و حکومت ۴ ماهه و ۲ ماهه را برای مردم که ۱۴ سال مبارزه مسلحانه داشته اند را بوجود آوردند ، ثانیاً " انحصار طلبی های جمعیت اسلامی بود که باعث اوضاع رقت بار کنونی در کشور گردید .

س : در بین رهبران چه کسی رامستول میدانید ؟

ج : مسئولیت بیشتر بعهده آقای ربانی است که بحیث مسئول دولت طی بیست ماه گذشته حکومت کرد و آقای سیاف که این دومجلس حل و عقد را که از سوی ۷ تنظیم رد شده بود تشکیل نمودند .

س : از پنج ولایت در حکومت فدرالی کدامیک مربوط شما خواهد بود ؟

ج : مناطق مرکزی
س : مناطق مرکزی چند ولایت فعلی را احتوا خواهد کرد ؟
ج : پنج ولایت فعلی را در بر میگیرد .
س : وضعیت کابل در آینده چگونه خواهد بود ؟

ج : تایگ حکومت قانونی بوجود نیاید بوضعیت کنونی باقی خواهد ماند .

س : در حکومت فدرال کابل چه موقعیت را خواهد داشت ؟

ج : حکومت مرکزی کنترل آنرا بعهده میگیرد .

س : آیا کشورهای خارجی در جنگهای داخلی افغانستان دخالت دارند ؟

ج : طرح پیشاور اشتباه بود و باید با تفاهم یک حکومت فراگیر دراز مدت تشکیل میشد و فعلاً " مشکلات در داخل افغانستان است ، ممکن است بعضی از گروهها با خارج تماس داشته باشد ولی عامل درگیری هاتشنجات در داخل افغانستان است .

س : چگونه رابطه ای خاص با ایران دارید ؟

ج : با همه کشورهای همسایه روابط داریم ولی تنها تنظیمی که در داخل افغانستان بوجود آمد و در طول دوران جهاد مرکزیت آن در داخل افغانستان بوده است حزب وحدت است که تنظیم های دیگر هیچ يك آن این خصوصیت راندارند مادر ایران ، پاکستان ، کشورهای اروپائی ، عربی و امریکائی دفاتر و نمایندگانی داریم و غیر از این با هیچکدام رابطه خاصی نداریم .

س : بنظر شما آیا ایران میتواند رول مثبتی را برای حل قضیه افغانستان بازی کند ؟

ج : سال گذشته با کمک دولت های ایران و پاکستان ، عربستان سعودی توافقنامه اسلام اباد امضا شد اما مشکل افغانستان حل نشد .

س : چرا این توافقنامه باناکامی مواجه گردید ؟

ج : آقای ربانی به هیچ يك از توافقنامه های امضا شده عمل نکرد .

س : آیا حزب شما از نظر سیاسی مخالف آقای ربانی است و از نظر نظامی بیطرف است ؟

ج : در کابل بله ، ولی در شمال حزب وحدت اسلامی عضو جنبش ملی اسلامی است و با آن هماهنگ عمل مینمایند .

س : دلیل عمده ای که شمار ادر کابل و ادار به جنگ کند چه خواهد بود ؟

ج : باید ربانی بی پذیرد که وضعیت افغانستان بنفع او و مردم افغانستان نمیشد و باید استعفا بدهد و اگر ربانی به اینکار خود ادامه بدهد طبیعی است که نه قابل تحمل برای ما و نه برای سایر تنظیم هاست .

خبر گذاری وحدت اسلامی کابل - از طریق خبر گذاری مشهد - ۱۵ رار ۱۳۷۳ .

از : دکتر علی محمد شوق
بر گرفته شه از ندای وحدت ، فطر نور ۱۳۷۳
سعید فطر نور ۱۳۷۳

عید اسلام وعید کورما

عید اسلام است و نم فرخ شادی گزینت
برگشته سلمان است بر روی زمین

یک مید کورما ، تم است امکن خون

گشتن است و در و خ و در و خ و در و خ

زندگان نم جان کشتگان بی گن

در خم کورم که در داخل هر روزن بنا

کابل مشه ترا ترا کرده است

سخته ، ویران شده ، اگر بزدلین

قصر باس و قابل است وزان

زاد کار نبشته است یکو در کین

یک طرف یک است است اندر اوستم

سوی دیگر چند خضوب طعم ضالین

بر زده است آزاده بین است

آسمان است بود کورن با بدترین

عالمین این جنایات اند رویگی

شهرشان باد است طعم حرم حسین

این زمین بسا د کاین است میکند

بسج کافر می نماید کرد برکز این چنین

تنگ افغان ، تنگ ملت ، تنگ دنیا تنگ بین

وصف دیگر سخن خاتم بجهت ایران خرمین

بی رحمی مجاز

روزگار درازی نه کسی تان شنیدن دردم را داشت و نه همد می داشتیم ، از این رهگذر رنج بیحد کشیده و تاهم از شر ظلم و بیعدالتی که در حق ما طبقه نسوان میشود فرار نمی توانیم ، بالاخره قلم را صلازدم که باشکوه سوز و گداز مراتسکین بخشد ، آنچه در رشتنه تحریر در آورده ام از جناب عالی خواستارم در یکی ستونهای نشریه طلوع وحدت جاده نهد تا الگو برای خواهرانم شده بعد از این هر زن و دختر با سوادمانند من پیام آور برای سعادت مندی تمام زنان چه در داخل و خارج وطن بوده عامل قدرتمندی برای تحقق عدالت اجتماعی باشند .

پایه های فرهنگی و اجتماعی در یک جامعه بمنزله عمود خیمه اجتماع و از ضروریات زندگیست میخوایم روش اجتماعی جامعه فعلی وطن عزیز خود افغانستان را مورد ارزیابی داده مشخصا " پیرامون جایگاه زنان در نظام فعلی کشور بلاکشیده مورد بحث قرار دهم .

پس از پیروزی انقلاب هر چند تحول عظیم در زندگی اجتماعی مردم افغانستان پدید آمد و موج انقلاب توانیست برای مدتی مظاهر کمونیستی و غرب زدائی را در شهر کابل درهم بشکند اما دیری نگذشت تحولیکه بنام حکومت اسلامی دیگرگونی های تعالی بخش وعده و نوید هائی دادند وهمه را شیفته خود وتشنه رهائی ساخت ، سپس تشنه ها را شیفته های خود ساخته چون موم به بازی گرفتند و از ایشان بدلخواه خود برای بقدرت رسیدن استفاده کردند ، امید هابه یاس مبدل گشت و ویران سازی ها ، درگیری های پی در پی ، بنیان شهر و اجتماع کشور را دیگرگون ساخت .

از یکطرف تلاش جهت بدست آوردن قدرت و از طرف دیگر استثمار و تسلط اجتماعی یعنی انکار حقوق نیمی از پیکره جامعه بنام مقررات مذهبی درباره زنان شروع گردید و از حضور فعال شان در صحنه اجتماع ممانعت آغاز گردید .

زن که مظلوم ترین طبقه جامعه افغانستان بود باز در لجن زار جهالت قیصرن میخوایند دفن شان کنند ، که این چنین فکر و اندیشه وقد غن کردن حضور فعال زن در صحنه های سیاسی و اجتماعی غیر قابل تحمل است .

نمیدانم با این شکل و شمائل بدویت ونیمه وحشی در شاهراه تمدن گام برداشتن و ادعای تاءسیس حکومت اسلامی کردن و خرافات را پسندیدن و اثر فرهنگ ملی و بومی نام نهادن از عقل و منطق دور نیست ؟

بفکر من پشت سر این مظاهر که مجموعا " فرهنگ قرون وسطائی را تشکیل میدهد ، سیاست نهفته ایست که ما را بسیر قهقرائی سوق می دهد ، عواملیکه در صحنه اجتماع امروز ما با چنین فرهنگ قرن وسطائی تاکنون از خود مقاومت نشان میدهند و روز بروز تقویت یافته رشد میکنند ، معلوم داراست که برنامه ریزی دقیق ضد اسلامیست که شناخت و درک انقلاب اسلامی را مغشوش میسازد ، ورنه اسلام بر انسان منت گذاشت وزن راموءسس مکتب حیات بخش اسلام حضرت محمد (ص) از لجن زار جاهلیت که زنده بگور میشدند نجات داد - ایازن در بی یک جامعه نیست ؟ آیا مرحله اول زندگی مرد وزن صحیح از دامن مادر شروع نمیشود ؟

بالاخره ایازن انسان نیست ؟ که مردان با او مانند برده بلکه پائین تر رفتار کنند و حتی هم مثل یک حیوان خرید و فروش میشوند . گرچه زنان در ممالک پیشرفته و عقب مانده اسلامی بهمین درد و بسا دردهای دیگر مبتلایند و برای نجات از ظلمت که در طول تاریخ برای زیر تسلط نگاه داشتن و بهره گیری از زن بهانه های گوناگون توسط قدرتمندان به اجرا در آمده است و تاکنون نتوانسته ایم از ان دفاع کنیم دردها بسیار است ، چنانچه در دنیای باصطلاح پیشرفته بر زن یگونه دیگری ظلم میگردد که انشالله در آینده بطور جداگانه مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد . پایان

نگاهی به دیروز و امروز افغانستان

گریبان خود فروبر دو افعال و اعمال دوره ، پادشاهی خود را بیاد بیاورد که چه کارهای مفید میتوانست و نکرد و چه کارهای مضرری را که نباید مرتکب میشد مرتکب شد ، از جمله هر چه اراذل و حرام زاده بود ، مانند صدیق خان والی هرات که در قتل پدر خود بمقاد فاسق مادر و قاتل پدر خود شهادت داده بود ، بدر بار او نزدیک و سخنان چاپلوسانه ، انان را می شنیدند و از مردان فهمیده مسلمان و صاحب ایمان یکنفر هم نداشت یعنی مردان فهمیده مسلمان در هر قوم و هر قبیله در هر ولایت و هر شهر حتی در گوه پایه ها و میجرهای افغانستان زیاد بود اما ظاهر خان آنقدر در عیش و نوش خود وغارت دارائی افغانستان غرق بود که فرصت شناخت آنها را نداشت .

واکنون هم مردان ورزیده و فهمیده در داخل و خارج افغانستان زیاد است که از درد می سوزند اما با ظاهر خان و منسوبین او نمی سازند من شنیده ام چند نفر از جوانان برای نوشتن فحایح و مفاسد دوران ظاهر خان کمر بسته اند تا بتاریخ بسیارند خدا توفیق شان بخشد .

این سخنان همه بحایش ولی توبتائید یا تردید این همه گفته ها هیچ نمیگوئی ؟ همه همه زحمت کشان بتائید فرمایش آقای ۸ و دیدن همه بسوی من مخصوصا " از اثر توجه و خواهش آقای دعوت کننده گفتم :

من حال دل " ظاهر " با خلق نخواهم گفت کین قمه اگر گویم با چنگ و رباب اولی

درین حار فیق دیوانه ام بفریادم رسید و گفت آری تا هفته آینده اندکی از بسیار آنچه قابل گفتن است گفته و نوشته تقدیم میشود ، اما فر دای همان روز با اثر بیماری سخت مجبور برفتن بیمارستان شدم ، دونفر از آنها در بیمارستان بن دیدنم آمدند ولی آمدن شان را عیادت خوانده و از نوشته که به آنها وعده داده شده بود یاد نکردند . بهر حال گرچه از بیمارستان رخصت شده ام آنچه درین در بدری و پیریشانی که هنوز ضعف و ناتوانی بیماری گریبانم را رهان ساخته تهیه و نوشته توانسته ام این است : ادامه دارد

خوانندگان گرامی ۱

همانطوریکه در جریان هستی استان دارد صفحات جریده طلوع وحدت بطور مداوم (۱۲) صفحه بوده ولی این بار بیعت تراکم مواد تعداد صفحات افزایش یافت ، در اینچاچا دارد که از زحمات و تلاش صادقانه برادر محترم فهیم عبدالگان مسئول خبر گذاری - مشهد تقدیر و تشکر نمایم که بموقع در ارسال اخبار و سائرمواد با ما همکاری نموده است .

اداره طلوع وحدت

شعر معاصر افغانستان

تقدیم به پرچمدار کربلا حضرت ابوالفضل (ع)

مشك وفا

چه شد پیش از آن که کشته بودم باور خود را ،
چهل منزل به روی نیزه می بردم سر خود را
چه خواهد شد خدایا ۱ باغبان در پنجه طوفان
ببینید آخرین گل از بهار پر پر خود را
نخواهد ماند خالی بعد از این ، مشك وفازیرا
به دریا وام دادم بازوی اب اور خود را
حنون برقی زد امشب من به رنگ آب پاشیدم
کنار دجله پیش از سوختن خاکستر خود را
وعرش از کربلا تصویر کم رنگی است ، هان ای عشق
دیگر پرواز ، لازم نیست ، برگردان پر خود را
سید فضل الله قدسی



زخم تیر

می آید و باور نمی کرد تاراج چشم تیرم را
در حیرت دیدم مردم ، می سوخت آتش پریم را
صد زخم نامر می ماند بر شاخه باغ و برگم
پامال بیداد کردند بی سرتترین پیکرم را
وقتی که شلاق آتش بر جنگل سبز میخورد
یک مشت نامرد ، دادند برباد ، خاکستر ما
اینک درختان سرسبز از تیشه های هراسنا
وقتی که زخم تبر دید سر سختی پیکرم را
دهلیز خمیازه هانیزیک عمر سرگشته مان کرد
حتی رها کرد شمشیر از نفرت اخر سرم را

محمد نعیم کمالی



جوالی

شمید ، غرورم ، چکید ،
وقتی من و ریسمان بهم تنیدیسم ،
تانان ، نیفتد ،
x ریسمان ، از غرور ، تراست ،
تامن ، نیتفتم ،
نان ، نمی خواهم ،
سنگی دهیدم ، اگر تفنگ نیست ،
x اورست ، کوچک نیست ،
غروری دارم ، سرکش ،
از عیدالاحمد بهادری



محمد مستری با استاد مزاری ملاقات کرد.

محمد مستری نماینده سازمان ملل متحد - ضیافت شام حزب وحدت اسلامی شرکت کرد و مجدداً با استاد مزاری ملاقات نمود.

آقای محمود مستری فرستاده ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد و هیئت همراه وی شب دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۲ در ضیافت شامی که از سوی حزب وحدت اسلامی در مقر مرکزی آن حزب ترتیب یافته بود شرکت نمود، بگزارش خبر نگار خبرگزاری وحدت اسلامی قبل ازین ضیافت آقای محمود مستری در ملاقات اش با استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی مذاکراتی را انجام دادند، در جریان این مذاکرات آقای محمود مستری فرستاده خاص سازمان ملل متحد آیت الله فاضل عضو شورای عالی نظارت و حجت الاسلام والمسلمین استاد اکبری معاون اول هیئت رئیسه شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی نیز شرکت کردند، مشروح مذاکرات آقای مستری با استاد مزاری:

آقای محمود مستری و هیئت همراه شب دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۲ در مقر حزب وحدت اسلامی با حجت الاسلام والمسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان - مذاکراتی را بعمل آوردند که حاوی مطالب بسیار ارزشی بود، خبرگزاری مذکور بدلیل اهمیت این حریان مذاکرات آنرا بدست نشر میسارد.

محمد مستری - ما از مهمان نوازی مردم افغانستان بخصوص حزب وحدت اسلامی

تشکر میکنیم و امیدواریم که آتش بس دوام یابد استاد مزاری - ما مجدداً از زحمات شما تشکر میکنیم، اوضاع که پیش آمده بخاطر عدم توافق مجاهدین است کشورهای منطقه هم اقدام کردند ولی موفق نشدند و اکنون امیدوار هستم که هیئت سازمان ملل در وظیفه که عهده گرفته است موفق شوند، ما معتقد هستیم که نظر همه مردم گرفته شود ولی اگر توافق دو طرف قضیه یعنی شورای هماهنگی و جمعیت اسلامی که بنام دولت یاد میشود گرفته شود راه نزدیکتر است بصلح، اگر این دو طرف بیک توافق دست پیدا کنند مسئله زود حل میشود.

محمد مستری - ما این کار را تلاش داریم به انجام برسانیم و بعد از ظهر امروز هم اعضای شورای هماهنگی ملاقات داشتیم که نماینده حزب وحدت اسلامی نیز در آن حضور داشت.

استاد مزاری - حزب وحدت اسلامی عدالت اجتماعی و حکومت قانونی میخواهد اگر حکومت بی طرف باشد قبول داریم و اگر مجاهدین هم حکومتی زیبار بیاورد بهترین چهره حضرت صاحب مجددی است که همه قبول دارند، مشکل اصلی فعلاً "اقایان ربانی و حکمتیار است که باید استعفا کنند.

محمد مستری - حکمتیار با ما کفایت رهبری صلح حریان دارد و آقای حقانی ازاد رهبری میکند و چند روز بعد اعلام خواهد شد ما هم با آقای حقانی صحبت کردیم ولی از طرح وی صحبت بمیان نیامد.

استاد مزاری - آقای حقانی با من نیز صحبت هائی داشت و طرحی را ارائه کرد که بنظر ما عملی نبود، آقای حقانی مجدداً نماینده های خود را فرستاد که ما از طرح اولی صرفی نظر کردیم و طرح جدیدی را رو بدست داریم در آن طرح آمده بود که امنیت کابل را قوماندانان کابل بعهده بگیرند و بیک شورای محدود بخواهد بیایند و بیک شورای محدود بخواهد بیایند و حکومت موقت را تشکیل نمایند، ما گفتیم که مردم کابل امنیت خود را ب قوماندانانی که ۱۲ جنگ را پشت سر گذاشته اند نمیدهند و از طرفی هم کابل با بقیه ولایات فرق میکند ممکن است قوماندانان

هرات، قندهار، مزار و جلال اباد و... شورای را بوجود آورد و منطقه خود را اداره کند و مردم سائر نقاط افغانستان اعتراض نکنند ولی کابل متعلق به قوماندانان کابل تنها نیست، بلکه در کابل سرنوشت تمام کشور تعیین میگردد و همه خود را در کابل سهیم میدانند، مردم می گویند قوماندانان کابل در جنگ نتوانستند کابل را بگیرند و حالا میخواهند با صلح بگیرند و این غیر قابل قبول است و همین چنین گفتیم تا وقتیکه اردوی ملی از همه اقشار مردم افغانستان بوجود نیاید هیچ کسی نسه از کابل بیرون میرود و نه سلاح خود را تسلیم می کند.

در رابطه با آتش بس با آقای حقانی گفتیم که اگر آقای ربانی و حکمتیار ارا قانع گردید که استعفا بدهد آتش بس بوجود می آید و الا جنگ خاموش نمیشود، درباره شورای محدود گفتیم که معیار تعیین اعضای آن مشخص نیست ما با این ملاحظات به آقای حقانی گفتیم که این طرح شاموفق نمیشود و بهتر است که اعلان نکنید در رابطه با حکومت بی طرف آقای حقانی گفت باید از مجاهدین باشد و ما گفتیم که از مجاهدین کسی بی طرف نیست یافتن حنک داده و یاد جنگ شرکت دارد و حزب وحدت اسلامی عقیده دارد اقایان ربانی و حکمتیار استعفا کنند و بیک حکومت موقت بی طرف باتوافق همه احزاب تشکیل شود در این صورت جنگ تمام خواهد شد بنظر ما دوران انحصار طلبی و حکومت یک قوم در افغانستان تمام شده است اگر سائبر برادران ما به این واقعیت برسند مشکل حل میشود، زنان نیمی از جمعیت افغانستان را تشکیل میدهند و در مبارزه نیز نقش عمده را به عهده داشتند که باید در تصمیم گیریهای آینده دولت و از حق رای دادن و رای گرفتن برخوردار باشد، متأسفانه عده هستند که هنوز هم حاضر نیستند برای زنان حقی قایل شوند.

ستوریوس موسوریوس - سازمان ملل از طرحی که زنان در آن نقشی نداشته باشند بهیچ وجه حمایت نمیکند.

استاد مزاری - انتظار ما از سازمان ملل این است که در رابطه با تأمین حقوق انسانی مردم افغانستان از حمله حقوق زنان توجیه حدی داشته باشد و در جهت تحقق عدالت اجتماعی در افغانستان تلاش کنند که در آن صورت مردم افغانستان از شما حمایت خواهد کرد.

محمد مستری - سازمان ملل متحد از طرحی پشتیبانی میکند که در آن همه اقشار شریک باشند و ما قبلاً برداشت داشتیم که طرح حقانی طرح جامع است ولی از حرف های شما فهمیده میشود که این طرح هم هنوز جامعیت ندارد.

استاد مزاری - طرح آقای حقانی اگر بهمین وضع باقی بماند حتماً شکست می خورد، چون هنوز هم حاضر نشده است جنبش ملی اسلامی را که یک بخش عظیمی از مردم افغانستان از آن پشتیبانی میکند برسمیت بشناسد ما قبلاً گفتیم که ما خواهان حکومتی هستیم که فراگیر باشد، از ادبهای مردم را تأمین کند و بوسیله آن عقاید مردم افغانستان مورد تهدید قرار نگیرد و دو تحریک حکومتی قبلی تکرار نشود.

محمد مستری - این نشانه از فهم دانش شما و حزب شماست. استاد مزاری - چهارده ساله مردم ما برای همه عزت بود ولی متأسفانه آقای

ربانی علیه مردم افغانستان فتوای ختم صادر کرده که اقدام نادرست و غلطی بود من بسه آقای حقانی هم گفتم که بر ربانی بگوئید و بسوایش اشتباه بوده و باید پس گرفته شود و با جنبش تفاهم شود ولی حقانی قبول نکرد.

محمد مستری - برداشت ما این است که ربانی آماده است فتوایش را پس بگیرند استاد مزاری - آقای ربانی بایستاد استعفا کند تا زمینه تشکیل حکومت موقت و برگزاری انتخابات فراهم شود و مردم زعیم ملی شان را انتخاب نمایند.

محمد مستری - آقای ربانی دوران ختم میشود.

استاد مزاری، برداشت که ما از ربانی داریم این است که آقای ربانی به این اسانی حاضر نیست قدرت را رها کند.

محمد مستری - باید پافشاری شود که ربانی قبل از پایان دوره اش استعفا کند.

استاد مزاری - به باید فوراً استعفا کند در ظرف دو ماه حکومت موقت تشکیل شود اگر رئیس حکومت را از مجاهدین میخواهید ما حضرت مجددی صاحب را پیشنهاد میکنم که هم مجاهد است و هم انحصار طلب نیست و هم مردم او را قبول دارند و هم دودوره ریاست جمهوری کرده است.

محمد مستری - در رابطه با سمینار حلال اباد چه نظری دارید؟

استاد مزاری - از سمیناری که حاج قدیر قرار است دائر کند گزارشی نداریم ولی قبلاً رهبران را در حلال اباد جمع کرده بود ولی نتیجه نداد.

محمد مستری - آقای حاج قدیر شما در این سمینار دعوت کرده است؟ برای ما نامه نوشته است.

استاد مزاری - برای ما نامه نوشته است که از اقوام دعوت میکنم و ما گفتیم که اقوام واحزاب یک واقعیت هستند که نباید نادیده گرفته شود ولی آنها نتوانستند از جنبش ملی اسلامی دعوت کنند.

محمد مستری - آنها با دوستم تماس نگرفته اند؟

استاد مزاری - خیر آنها با ما گفته اند که ما از شما نماینده دعوت میکنیم، طبق اطلاع که بماداده است آنها برای کمیته کاری سمینار ۱۲ نفر در نظر گرفته اند که هفت نفر آنها از برادران پشتون و ۵ نفر دیگر از باقی اقوامی باشد، این موضوع عادلانه نیست.

محمد مستری - آیا میخواهید که پشتون ها اکثریت نداشته باشند؟

استاد مزاری - ما میگوییم باید عدالت رعایت شود.

ستوریوس موسوریوس - چه کسانی در سمینار شرکت میکنند؟

استاد مزاری - وقتی عدالت رعایت نگردد باقی اقوام شرکت نخواهند کرد و کار سمیناری نتیجه می ماند.

محمد مستری - پس آینده روشن نیست

استاد مزاری - در صورتیکه طرح ناقص باشد آینده روشن نیست، طرح حقانی، حاج محمد اسماعیل خان ناقص است، باقی مانده طرح سازمان ملل که آیا میتواند راه حل جامع ارائه کند یا نه؟ دوران حکومت زوروتانگ در افغانستان سپری شده است، انتظار حزب وحدت اسلامی اینست که سازمان ملل متحد طرح جامع را ارائه کند که همه مردم افغانستان در نظر گرفته شود، این مذاکرات که در فضای کاملاً دوستانه انجام گرفت ساعت ونیم بطول انجامید.

